

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۱۱ خرداد ۵۹ شماره ۵۹ تک شماره ۱۰ ریال

به نارضائی های مردم پاسخ گوئیم ، تبلیغات مسموم ضد انقلاب را خنثی کنیم

انقلابیون باید با تمام قوا برای حل مسائل زحمتگشان و راهگشائی انقلاب مبارزه کنند

دو نوع نارضائی ما هیتا " متفاوت فرق گذارد . یکی نارضائیتی ها ئی است که توسط اقشار مرفه و بالای جامعه و بسا وابستگان به رژیم سابق ابراز شده و دامن زده میشود . این نارضائیتی ها عمدتا " ضد انقلابی است و بازگوکننده حسرت این اقشار به از دست بقیه در صفحه ۲

آنچه که جامعه بشندان بنیاز مند است ، قبل از هر چیز کشف ریشه ها و پرداختن به راه یابی های اصولی است تا بصدا در آوردن شیورهای جامعه . ریشه یابی نارضائیتی ها گسترده عمومی به ما چه میا موزد ؟ در وهله اول باید میان

در اثر بی سروسامانی امور واخلال دوا بر قدرت ومشی های انحرافی در دوران ۱۵ ماهه انقلاب ادا مه یافته و ابعاد جدیدی پیدا کرده اند . گسترش این نارضائیتی ها ، مسئولین امورا به آنجا کشانده که حتی از تجربه شیلی سقوط آنده در نتیجه زشدن نارضائیتی ها صحبت کرده اند . لکن بنظر ما

امروز در جا معه ما کسی نیست که از دردها و کمبودهای فراوان زندگی ننال دوکسی نیست که به وجود این نارضائیتی و ابعاد دروزا فزون آن آگاه نباشد . این نارضائیتی ها که عمدتا " زائیده مشکلات ناشی از نظام جابرانه و منحط رژیم شاهنشاهی وسلطه چندده ساله امپریالیسم برمیهن ما است ،

رهبری سازمان چریکها به نوکران روس تسلیم شد

ضرورت دارد . بعبارت دیگر رهبری سازمان چریکهای فدایی که از فدای پیروزی انقلاب موضع خصمانه ای نسبت به حکومت ایران اتخاذ نموده بود و روحا نیت و حکومت را مرد تجع و وابسته به امپریالیسم آمریکا معرفی می کرد ، و هیچگاه از سرنوشتی رژیم وابسته فاشیت شاه و برقرارری رژیم جمهوری اسلامی بعنوان انقلاب یاد نکورد ، امروز در باره ماهیت حکومت منبعث از انقلاب اسلامی ایران مینویسد : " حکومت کنونی هم چنانکه بارها اعلام داشته ایم حکومتی وابسته نبوده و نیست . و بار رهبری سازمان چریکها که در جنگ افروزیهای کردستان ، ترکمن صحرا و ... مستقیما " دخالت داشت و حتی شعار " ایران را سراسر کردستان می کنیم " را شعار روز خود قرار داد ، امروز

(کار شماره ۵۹) اشاره به " طریق درستی " که با بیدر پیش گرفته شود ، شیوری ایست که رهبری چریکها بصدا در آورده و با آن تغییرات جدیدی را در مواضع خود اعلام میکنند و بگوش اعضا و هواداران می رسانند . اما این مواضع جدید که اعضا و هواداران چریکها میبایست " مردم را از آن آگاه کنند " کدامست ؟ در همان نوشته رهبری چریکها اساس این تغییرات را روشن می کنند که عبارتست از ارزیابی جدیدی از حکومت ایران و اتخاذ سیاست های مناسبی که برای اوضاع کنونی

رهبری " سازمان چریکهای فدایی خلق " در سرمقاله نشریه " کار " شماره ۵۹ ، خطاب به اعضا و هواداران خود میگوید : " امروز وظیفه تک تک اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است که با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق درستی را که باید در پیش گیریم تبلیغ و ترویج نمایند .

مصاحبه با گروه انقلابی خلفهای افغانستان

در صفحه ۳

نیروی سه جهان

جهان دوم نیروئی که میتواند آنرا
در مبارزه علیه دوا بر قدرت جلب نمود

در صفحه ۴

پشتیبانی قاطع حزب رنجبران ایران از کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران

جهان بازگو نماید . از جانب دیگر ، شرکت نمایندگان جنبش های آزادی بخش جهان و دیگر دوستان و متحدین بین المللی جمهوری اسلامی در این کنفرانس بین المللی ، بعد آن را از چارچوب ملی خارج ساخته و به سطح نبرد عظیم جهانی خلقها علیه سلطه امپریالیسم ارتقاء می بخشد . بنابر این ، تشکیل این کنفرانس باید اقدام موثری شود ، برای اینکه گامهای ضد امپریالیستی بقیه در صفحه ۲

تجدیدی نیست که این کنفرانس میدان برجسته ای خواهد گردید برای یک افشاکری وسیع و همه جانبه علیه امپریالیسم آمریکا . ملت ایران که بیش از یک ربع قرن سلطه همه جانبه این امپریالیسم جهانخوار و خونخوار را متحمل شده است و نتایج مرگبار و مصائب عظیم وابستگی به امپریالیسم آمریکا و سلطه بلامنازع آنرا بر تمامی حیات جامعه لمس کرده است ، به بهترین وجهی قادر است تمامی زوایا و جوانب این سلطه را برای خلقهای ستمدیده

فردا دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ ، " کنفرانس بین المللی بررسی و رسیدگی به مداخلات آمریکا در ایران و مبارزه با سلطه جویی ایر قدرتتها " کار خود را در تهران آغاز میکند . تشکیل این کنفرانس ، همان طور که ما پیش از این نیز گفته ایم (رجوع شود به رنجبر " شماره ۵۳) کام مهمی است در مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا و در ایجاد یک جبهه واحد همبستگی خلقهای محروم و نیروهای ضد امپریالیستی جهان سوم از انقلاب ایران .

توطئه روسی

ماجرای بلعیده شدن رهبری سازمان چریکها توسط باندکیانوری رنگ ختری است برای ملت ما و برای میهن ما . برخی شاید به غلط تصور کنند که این ماجرا صرفا به مناسبات وحدت و رقابت میان یک باند

مقاومت وسیع

مبارزات دلاورانانه مردم کره جنوبی

خلق کره جنوبی بپا خاسته است تا خود را از زیر ستم فاشیستی و سلطه امپریالیسم جهانخوار آمریکا برهاند و میهن تکه شده خود را در اتحادی بزرگ مجدداً بیکدیگر پیوند دهد. از نظاهرات دانشجویان در ستول تا قیام تاریخی "کوانگ جو"، از سرکوبی قیام "کوانگ جو" تا مشعل های فروزان مهشم یاد بود شهدای کوانگ جو در شهر "ماکیو" و از "ماکیو" تا سایر شهرها، خلق کره جنوبی تشنه آزادی، استقلال و وحدت میهن با بجای گذاردن بیش از هزار شهید قهرمانانه واستوار در این راه به پیش میروند.

مبارزه دلاورانانه مردم کره جنوبی علیرغم سرکوب وحشیانه رژیم دست نشانده فاشیستی که از حمایت فعال امپریالیسم آمریکا برخوردار است، همچنان ادامه دارد و تا پیروزی ادامه خواهد داشت. امر عادلانه خلق کره با پشتیبانی هرچه وسیعتر کلیه نیروهای مترقی و انقلابی جهان روبرو می شود.

بر خلاف تبلیغات دروغین برخی جراید کشور، جمهوری خلق چین که همواره از خلق کره جنوبی قاطعانه پشتیبانی کرده است در ادامه پشتیبانی از این جبهه نوین ضد ابرقدرت آمریکا، دیروز روابط سیاسی خود را با دولت کره جنوبی بکلی قطع کرد و خواهان خروج سریع نیروهای نظامی آمریکا از خاک کره شد.

حکومت فاشیستی و وابسته کره جنوبی مطمئناً سرنگون خواهد شد و آینده تابناک جامعه ای نوین، دمکراتیک و مستقل، وحدت دو کره آینده خلق های کره می باشد.

ادامه دارد

چین

کلیه روابط خود

با کره جنوبی

را قطع کرد

برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم."

دلیل این تغییرات ناگهانی در مهم ترین مواضعی که یکسال و اندی رهبری سازمان چریکها بر روی آن پا فشاری کردند و با اتخاذ چنین سیاستی گذشته از به هرج و مرج کشیدن مملکت و تضعیف حکومت انقلاب، خون صدها جوان را که فریب این ناسا رهبران را خورده بودند بر باد دادند چیست؟ آیا این حرکت جدید رهبری چریکها نقشه در صفحه ۶

در برابر رهبری غاصب سازمان چریکها

پدنیال موضع گیری جدید رهبری "سازمان چریکهای فدایی خلق" در نشریه "کار" شماره ۵۹ که نتیجه منطقی گرایشات روزافزون رهبری غاصب در این سازمان به روسیه میباشد، اختلافاتی که از مدتها پیش در درون این سازمان علیه این رهبری غاصب وجود داشته در روز های اخیر تشدید یافته و تبدیل به یک موج مقاومت در مقابل تسلیم طلبی رهبری نسبت به روسیه شده است.

ما، بخش کوچکی از این موج مقاومت را که در سطح وسیعی از پایه ها و حتی سطوح بالایی از افراد کادر این سازمان را دربر گرفته است به عنوان نمونه در زیر میآوریم:

گفته میشود بخشی از کادر رهبری این سازمان خواهان اخراج بعضی از رهبران که به "توده های بودن مشکوک هستند، شده و برای ابراز نظریات خود تقاضای صفحه ای مستقل در نشریه "کار" را نموده اند. دانشجویان پیشگام دانشگاه صنعتی، تربیت معلم و دانشکده ادبیات تهران از پخش کردن نشریه "کار" شماره (۵۹) به علت مواضع "روزیونیستی" آن خود داری کرده اند. در حالیکه تشکیلات مرکزی دانشجویان و دانش آموزان پیشگام، هواداران خود را به دفاع از مواضع رهبری غاصب سازمان چریکها فرا خوانده است.

اعضاء و هواداران سازمان چریکها در خوزستان بشدت متفعل شده و دست از کار تبلیغی کشیده اند. هواداران و اعضای صادق

سازمان چریکها از رهبری خود ستوال می کنند که: چرا رهبران سازمان که از ابتدا آنها را با شعار "دولت و وابسته است" به رو در رویی با دولت می کشیدند و لزوم سرنگونی آنرا تبلیغ می کردند، اینک بدون توضیح و بدون تحلیل مشخص و فقط به این خاطر که کشورهای "سوسیالیستی" یعنی امپریالیسم روسیه آنرا ظاهراً تأیید می کنند، ۱۸۰ درجه چرخش کرده اند؟

آنها می پرسند که چرا رهبری سازمان که فرصت طلبانه رفقای آنها را در کردستان به جنگ برادر کشی کشیده است، پس از خونریزی بسیار و تلفاتی که هردو طرف متحمل بقیه در صفحه ۶

وابسته و یک باند مزدور خلاصه میشود و اکثریت عظیم ملت را به آن کاری نیست. این تصویری است بکلی باطل و پنداری است بغایت مهلک. بلعیده شدن سازمان چریکها توسط باند کیانوری نمونه ای است از روندی که در سطح کشور و در تمامی شئون مملکتی، در ارگانهای دولتی، در ارتش، در رسانه های عمومی، درخفا و قدم بقدم در جریان است: روند رخنه و توطئه و کودتای روسی توسط عمال ابرقدرت شوروی.

حزب ما بارها و بارها، نسبت به این مسئله خطیر هشدار داده است. رنجبر بارها و بارها نمونه ها و شواهدی غیر قابل انکار و زنده سیاسی ایدئولوژیک و عملی از فعالیت ضد انقلابی رخنه عمال روسی و باند کیانوری را در دستگاه های دولتی و مملکتی و در رسانه ها ارائه داده است. مادرعین حال با این عقیده نادرست که رهبری سازمان چریکها آمریکایی است و نه روسی مخالفت کرده ایم و رواج این پندار رایج میان هشیاری خلقمان در برابر توطئه های ابرقدرت روسیه ارزیابی کرده ایم.

مهمواره بر این حقیقت تأکید ورزیده ایم که هرگونه مداراجویی در برابر قدرت روسیه اعم از اینکه با چه نیتی صورت گرفته باشد، شکافی است در دژ بیولادین استقلال ایران تا از لابلای آن عمال روسی به درون این دژ بیخزند. زمینه مناسبی است تا بر روی آن تخم شوم انقیاد طلبی رشد یابد و یلکاتی است برای صعود باند کیانوری و دیگر عمال روس بسوی کسب قدرت از طریق کودتا و تجاوز نظامی. نمونه بلعیده شدن سازمان چریکها توسط باند کیانوری گواه آشکار این حقیقت است.

ما بار دیگر، با جدیت بازم بیشتر و با احساس واقعی خطر، هشدار می دهیم، هشدار به ملت ایران و به کلیه نیروهای استقلال طلب، هشدار به مقامات جمهوری اسلامی: در برابر توطئه های رخنه و کودتا و تجاوز روسها و عمال آنها هشیار باشیم. فراموش نکنیم که سه ماه پیش از این باند کیانوری در روس نام مردم، رهبری چریکها را آشکار به اتحاد جهت انجام کودتای روسی برای "تصرف قدرت یک ضربت و بیاپیوند زدن سرنوشت انقلاب ایران به انقلاب افغانستان دعوت نمود. اکنون این اتحاد عملاً صورت گرفته است. اکنون باید از خود ستوال کرد، آیا گام بعدی عمال روس در ایران چه خواهد بود؟

هشیار باشیم نگذاریم که ایران به سرنوشت افغانستان تبدیل شود.

اطلاعیه اتحادیه میهنی کردستان:

موضع ما پشتیبانی از انقلاب ایران است

اتحادیه میهنی کردستان طی اعلامیه ای اخبار مربوط به شرکت در جنگ علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بشدت تکذیب نمود. متن این اطلاعیه بقراریزیر است: روز ۳ خرداد ماه ۱۳۵۹ رادیو ایران و روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۲۸۵ روز ۴ خرداد ماه ۱۳۵۹ و روزنامه بامداد روز ۴ خرداد ماه ۱۳۵۹ اعلام کردند که نیرویی وابسته به اتحادیه میهنی کردستان در جنگ علیه نیروهای جمهوری اسلامی ایران شرکت نموده اند و مسئول این نیرو بنام "غفور" کشته شده است.

در ارتباط با این موضوع اتحادیه میهنی کردستان خبر مذکور را بشدت تکذیب مینماید و بعلاوه اعلام مینماید که اتحادیه میهنی هرگز مسئولی بنام "غفور" نداشته است. لذا از برادران فرماندهی "پاسداران انقلاب اسلامی" درخواست مینماید که هیئتی مرکب از نمایندگان پاسداران انقلاب ایران و اتحادیه میهنی را مامور تحقیق در این موضوع بنمایند.

موضع اتحادیه میهنی کردستان در قبال انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز پشتیبانی و حمایت از این انقلاب بوده و باینوسیله نسبت به

تلاشهای تردید آمیزی که بمنظور خدشه دار کردن پیوند میان اتحادیه میهنی کردستان و انقلاب ایران صورت میگیرد هشدار میدهیم و این تلاشها را از جانب دشمنان هر دو طرف این پیوند بدانیم. بعنوان مثال سال گذشته که برادر "جلال طالبانی" در "قم" بود و امام آیت الله خمینی روزنامه های در همان روز اعلام کردند که "جلال طالبانی" با نیرویی ده هزار نفری شهربانه را محاصره کرده است. امروز نیز همان محافل و در پیشاپیش آنها رژیم عراق بمنظور اخلال در این پیوند کماکان فعالیت و در این راه از اعمال خود استفاده میکنند.

با این جهت مجدداً تأکید مینمائیم که مبارزه ما بخشی از مبارزات خلق عراق و نهضت ملی آن، هدف ما در این مبارزه سرنگونی رژیم فاشیست و تحمیلی بغداد است و نه مداخله در امور داخلی ایران. انقلاب ایران همواره مورد پشتیبانی اتحادیه میهنی کردستان بوده است و همچنان در ایجاد بهترین پیوند با انقلاب ایران به رهبری امام خمینی کوشا و بایادار میباشد.

اتحادیه میهنی کردستان
۴ خرداد ماه ۱۳۵۹

گرامی باد خاطره شهدای ملیت عرب در فاجعه خونین ۹ خرداد ۵۸

بمناسبت سالگرد فاجعه خونین ۹ خرداد سال گذشته در خرمشهر که طی آن بیش از ۲۰۰ نفر از فرزندان خلق عرب خوزستان به شهادت رسیدند، حزب رنجبران ایران بخش خوزستان اعلامیه ای منتشر نموده است که متن آن را در زیر می خوانید.

زنده باد وحدت ملیتهای ایران علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه

سال گذشته در چنین روزهایی عوامل دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه و مزدوران دولت فاشیستی بعث عراق توانستند با بهره برداری از کمبود بقیه در صفحه ۶

نزدیکترین متحد آمریکا، با او همکاری نمی کند

دولت انگلیس علیرغم فشارهای شدید آمریکا مبنی بر تحریم اقتصادی ایران، حاضر نشد بطور کامل با آمریکا همکاری نماید و برای خالی نمودن عریضه، بعد از مخالفتهای شدید در پارلمان انگلیس مقرراتی برای رابطه با ایران وضع کرد که در اصل روابط گذشته را فشار چندان به ایران وارد نمیآورد.

بنابه گزارش خبرگزاری فرانسه دولت انگلیس امضا قراردادهای جدید به استثنای موارد مربوط به بعضی از مواد غذایی و صدور دارو را ممنوع ساخته است. اما موسسات بریتانیایی مجاز خواهند بود قرار دادهای گذشته خود را تمدید کنند و یا قراردادهای جدیدی به امضا برسانند که مربوط به صدور همان نوع کالاها باشد که در گذشته صادر میکردند. به این ترتیب بازرگانان و موسسات انگلیسی میتوانند قرارداد های خود را با ایران حفظ و حتی تمدید بقیه در صفحه ۶

گزارش فروش «رنجبر» از آبادان برادر! ما استقلال ایران را می خواهیم

من و دو نفر دیگر در شهر، میز کتاب و رنجبر گذاشته بودیم در همان موقع که حدود ساعت تقریباً ۸ بود یک راهپیمایی از طرف بعضی از نیروهای چپ برگزار شد که تعداد آنها زیاد نبود. درست همان موقع پشت سر آنها مذهبیها یک راه پیمایی گذاشتند. که بر علیه همان نیروهای چپ بود که عده مذهبیها کمتر بود. راهپیمایی اولی برای مسئله بیکاری بود که یکی از شعارهای آنها این بود که «زندانی سیاسی آزاد باد» گردن و یکی دیگر «کارگر پالایشگاه آزاد باد» و شعارهای مذهبیها از جمله این بود «اعتصاب و کم کاری توطئه شوروی»

ما یک مقاله از رنجبر در رابطه با اینکه آیا هنوز هم دولت آمریکائی است؟ را روی مقوا بزرگ نوشته بودیم و به دیوار چسبانده بودیم. تعدادی از چپ نماها دور این مقاله را گرفتند و شروع کردند به بر چسب زدن. تعدادی مذهبی به آنها پیوستند. تعدادی میگفتند این مقوا را پاره کنید عده ای میگفتند نه. در همین حین یک فرد مذهبی که بعداً معلوم شد درک

غلطی از این مقاله داشته متوا را پاره کرد. ما مقداری با او صحبت کردیم بعداً یک فرد مذهبی آن مقوا را درست گرفت و گفت چرا آن را پاره کردید. این مقاله مال رنجبران است، اینها از خودمان هستند. بعد ما رفتیم و آن شخص را پیدا کردیم و از او سوال کردیم که چرا آن مقاله را پاره کرده، گفت که برادر ما استقلال ایران را میخواهیم هر کسی که بگوید فقط آمریکا او میخواهد ما را به شرق وابسته کند. ما برای او توضیح دادیم که ما با شرق و غرب مبارزه میکنیم و به او گفتیم که یک بار دیگر تیر آن مقاله را بخواند و بعداً ز خواندن فهمید که اشتباه کرده است و افرادی که دور ما بودند به آن جوان مذهبی گفتند که اشتباه کردی.

در موقعی که کتاب میفروختیم یک مردی آمد و یک اعلامیه گرفت و دو نفر چپ نما آمدند و دو اعلامیه گرفتند و گفتند که شما با حزب توده یکی هستید. بعد آن مرد که ایستاده بود گفت که با ما بروید، شما خطر همسایه شمالی را حس نمیکنید و هنوز دارید میگوئید دشمن ما تنها آمریکا است.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را
بانک ملی ایران
به حساب بانکی زیرواریز نمائید: تهران - شعبه خیابان ایران شهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸

رفقا، دوستان

در پاسخگویی به دعوت حزب برای کمک جهت رفع مشکلات مالی، جنبش تقویت بنیه مالی حزب با شور و شوق و اعضا و هواداران و دوستان حزب روبرو شده که بخشی از کمکها را در لیست زیر درج می کنیم:

تهران	۵۰۰۰۰	ریال
تهران	۴۰۰۰	ریال
قزوین	۱۰۰۰۰	ریال
آلمان	۱۰۰۰۰	ریال
تهران	۱۰۰۰	ریال
بوشهر	۵۰۰۰	ریال

رفقای نشریه رنجبر

ما از موضع استقلال طلبانه شما بر علیه ابرقدرتها مخصوصاً دو ابر قدرت آمریکا و روسیه و مبارزه قاطع شما را علیه هرگونه ظلم و ستم تأیید کرده و خواستار موفقیت روزافزون شما هستیم.

ما چهار نفر که در یک شرکت خصوصی مشغول بکار هستیم این مبلغ ناقابل را جمع کرده و برای شما میفرستیم تا در راه انتشار روزانه رنجبر بکار برود.

امیدواریم بتوانیم در آینده نیز از لحاظ مادی و معنوی کمک بکنیم.

متشکریم - امضاء محفوظ

* کرامی باد *

بقیه از صفحه ۱

ها و سیاستهای نادرست و انحصار طلبانه جناحی از حاکمین در برخورد به مسئله خود مختاری ملیتها و مسائل رفاهی زحمتکشان فاجعهای خونین به بار آوردند. که باعث شهادت و قربانی شدن بیش از ۲۵۰ نفر از فرزندان ملیت عرب شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ملیت عرب که سهم بسزائی در این پیروزی داشت فرصتی بدست آورد تا خواست اساسی خود را در زمینه حق خود مختاری ملیت عرب که سالها توسط حکومت سیاه پهلوی سرکوب شده بود در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران مطرح نماید. ولی در اثر بی توجهی و برسمیت نشناختن حق خود مختاری از سوی جناح انحصار طلب دولت شریاطی فراهم شد تا عوامل دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، بازماندگان رژیم سابق و باند سیاه کیانوری در حزب توده و مزدوران بعث عراق از یکسو و قدرت طلبان چپ نما از سوی دیگر با سوء استفاده از حقانیت خواست ملیت عرب خواست ملیت عرب تضاد این ملیت با دولت جمهوری اسلامی را از حالت مسالمت آمیز بیرون آورده جنگ برادرکشی را به جای راه حل سیاسی به انقلاب اسلامی ایران تحمیل نماید.

اکنون ضمن بزرگداشت خاطره شهیدای فاجعه خونین ۹ خرداد ۵۸ یادآور می شویم، با وجود گذشت بیش از ۱۶ ماه از پیروزی انقلاب و گذشت یک

ملی گرائی

بقیه از صفحه ۶

به حجب زنند: بر همین مبنای بود که فاشیستهای هیتلری با عنوان کردن "نژاد برتر ژرمن" و لزوم ایجاد "رأیش بزرگ آلمانی" پیش از نیمی از جهان را به آتش و خون کشیدند. با کمک همین سلاح بود که امپریالیسم آمریکا سرپا زن خود را برای سرکوبی و "گوشمالی دادن" به "وحشی ها" و "کوچولو" های ویتنامی و کامبوجی و "بربرهای آسیائی" و جانشین ساختن تمدن آمریکائی بجای فرهنگ "حقیر" بومی روانه می نمود. امپریالیستهای روسی نیز میخواهند با کمک همین سلاح جای خالی آمریکا را پر کنند. امپریالیستهای سلطه گر، شوینیسم ارتجاعی را به مثابه بخش مهمی از فرهنگ امپریالیستی و وسیله مناسبی برای سلطه خویش در کشورهای تحت سلطه رواج میدهند. نمونه با رز این نوع "ملی گرائی"، شوینیسم ارتجاعی و ضدملی آسیای مفری بود که با رنگ و لعاب ایرانی و احضار روح کورش و داریوش، نژاد پرستی و عظمت طلبی "آریائی" را تبلیغ نموده و به سرکوب و تحقیر ملیت های ایرانی غیر فارس می پرداخت و از این شوینیسم تنگ نظرانه بمثابه وسیله ای در خدمت دیکتاتوری فاشیستی خود استفاده می نمود. اما ما همه شا هد بودیم که چگونه شاه خائن ورزیم چنانیکار در پس پرده نا سیونالیسم "آریامهری" میهن ما را به جولانگاه غارت و چپاول امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا تبدیل نمود.

این "ملی گرائی" که یکسره در خدمت امپریالیستهای سلطه گریخته و هست، بکلی با ملی گرائی مترقی، متمایز و متفاد است. ملی گرائی مترقی، هر چند از لحاظ طبقاتی به اقشار میانی، جامعه که در زیر

نیست، بلکه اشتراک نظر تا جایی است که این دو جریان در وجود بسیاری از شخصیتهای مبارز گذشته و حال نهضت با هم گره خورده و تلفیق یافته اند.

البته این یک واقعیت تاریخی است که برخی از نمایندگان سیاسی ملی گرائی مترقی در طول چندین ده سال مبارزه این جریان تاریخی، همواره نمایندگان شایسته ای برای آن نبوده اند. مادر طول این سالها در کنار دوره های

اعتلا و اوج های پرافتخاری چون دوره مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، بسالهای فترت و رکود و دوره های تزلزل، ضعف و ناتوانی سیاسی این جریان برخورد میکنیم. اما هر پدید آمده اجتماعی را باید در مجموعه خود مورد ارزیابی و سنجش قرارداد. ضعف و اشتباه، منحصربه جریان ملی گرائی مترقی نیست و در دو جریان تاریخی دیگر یعنی اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی نیز میتوان نمونه های مشابهی را مشاهده کرد. بعنوان مثال اسلام مبارز پس از قرنها مبارزه، اکنون برای اولین بار است که چنان رهبری منسجم و شایسته ای را یافته تا بتواند انقلاب اسلامی ایران را تحت رهبری خود به پیروزی رهنمون گردد. بنا بر این بر شمردن کمبودها و ضعف های ملی گرائی مترقی بعنوان بهانه و دلیل برای متحد شدن با آن بهیچ وجه مجاز نیست.

کنا رگذاشتن ملی گرائی مترقی از اتحاد بزرگ ملی تنها صف انقلاب را تضعیف میکند. انقلاب ایران بدون شک تنها با یک مکتب، یک ایدئولوژی و یک نظریه پیروزی نخواهد رسید. رمز آداما انقلاب و پیروزی آن در اتحاد کلیه نیروهای استقلال طلب، یعنی همه اقشار

* انقلابیون باید *

بقیه از صفحه ۱

طلبی و انقلابیگری کاذب را طرد و افشاء و خنثی نمود و مانع اخلال آنها در امور، بخصوص در امور مربوط به رفاه زحمتکشان شد و با لافهای زحمتکشان در کلیه زمینه ها پاسخ درست و مناسب یافت و آنها را با صراحت تمام طرح و بر سرای تحقق آنها پیگیرانه مبارزه نمود.

کلیه اعضا و هواداران حزب ما، کلیه انقلابیون میهن یا پیداین اصل اساسی را

است و با زگوکننده خواست
آتشین توده ها نه تنها بداشتن
زندگی شخصی انسانی ونسبتا
مرفه بلکه همچنین خواست
آنها به سر بلندی ایران، ادامه
انقلاب و پیروزی جمهوری اسلامی
است .
تفکیک درست و دقیق
این دو نوع ناراضی بشرط
اصلی پاسخگوئی به اصل مسئله
است . لکن ما شاهدانیم که
تفکیک صورت نمی گیرد و
جنبشها و خواسته های مطالباتی
زحمتکشان از طرف عناصر
مسئول مهر " ضد انقلابی " و در
این اواخر مهر " آمریکائی "
می خورد و مورد سرکوب سیاسی
و گاه حتی سرکوب قهری و
نظامی قرار میگیرد . سرکوب
خواسته های زحمتکشان تحت
عنوان " ضد انقلاب " اعتراض
آنها را به خشم تبدیل ساخته
و گاه حتی جهت مبارزه آنها را
از چارچوب دفاع از جمهوری
اسلامی خارج ساخته و به ضدیت
با آن میکشاند . بعبارت دیگر،
این سرکوب میتواند بخشهایی
از زحمتکشان را به نیروهای
ذخیره انقلاب " چپ " و راست
تبدیل سازد و از قدرت انقلاب میکاهد
بر روی چنین زمینه
مسمومی که ناشی از عملکرد
نا درست مشی انقلابیگری
کاذب از یک سو و انحما رطلب از
سوی دیگر و نیز عملکرد گروهها
و افراد خود کامد است ، ضد
انقلاب و عمال دوا بر قدرت
بهترین شرایط را برای پیشبرد
تبلیغات زهر آگین خود
میابند . و این تبلیغات
بنوبه خود بر روی بخشی از
مردم ناراضی اثر منفی
گذارد ، آنها را به سوی
ضدیت با جمهوری اسلامی سوق
میدهد ، این چنین است
حلقه مفسده جوئی ضد انقلاب
که تنها میتواند با تکاء
اشتها ها و کجروی های
نیروهای خودی موء شربا شد ،
برای پاسخگوئی به
ناراضی ها ضروری است که در
وله اول این مسیر را در جهت
عکس آن پیمود ، یعنی دوا بر
قدرت و عمال رنگارنگ ضد
انقلاب را بدرستی تشخیص
داده ، سرکوب نمود ، انحصار

عمیقاً " درک کنند که مبارزه
برای عدالت اجتماعی ،
مبارزه برای بهبود وضع
زندگی و رفاه زحمتکشان ،
مبارزه برای حقوق
دمکراتیک آنها ، اساس مبارزه
برای استقلال میهن است .
بدون عدالت اجتماعی برای
زحمتکشان ، مبارزه برای
استقلال سرانجام با شکست
مواجه خواهد شد و بر عکس هر چه
که انقلاب در تحقق عدالت
اجتماعی بیشتر موفق باشد
بهمان اندازه نیز استقلال
میهن تحکیم خواهد گردید .
در این پیکار ، کمونیستها
و انقلابیون با بد در صفوف
مقدم قرار گرفته و از چماق
انحصار طلبان نهرا سند . آنها
باید برای کسب موفقیت به
ایمان عظیم انقلابی توده ها
و وفاداری آنها به انقلاب
و جمهوری اسلامی تکیه کنند
زیرا واقعیت اینست که علی رغم
تمام بی توجهی ها و بیسی
عدالتی ها ، توده ها در اکثریت
عظیم خود همچنان پشتیبان
جمهوری اسلامی اند و مرز خود
را با ناراضیان بورژوا بروشی
ترسیم کرده اند .
در این پیکار ، کمونیستها
و انقلابیون باید به رهنمود
امام خمینی در پیام ایشان ،
به مجلس شورا تکیه کنند . امام
خمینی در این پیام میگوید :
" امید آن است که رسیدگی بحال
مستضعفین و مستمندان کشور
که قسمت اعظم ملت مظلوم را در
بر میگیرد ، در راه برنا مه ها
قرار گیرد و در نخستین مجلس
شورای اسلامی طرحهای جدی
در رفاه حال این طبقه محروم
داده شود . "
ناراضی های موجود در
میان توده های خلق غیر طبیعی
است . اگر با آنها پاسخ درست
داده شود این ناراضی ها
میتوانند موتوری شوند برای
بحرکت در آوردن چرخ انقلاب ،
ولی در غیر این صورت ، آنها به
چوب های چرخ انقلاب تبدیل
میشوند . ضد انقلاب میکوشد راه
دوم را به انقلاب تحمیل کند .
انقلابیون باید با تمام قوا
برای حل مسائل زحمتکشان و
راهگشائی انقلاب مبارزه کنند .

سال از فاجعه خونین خرمشهر در نتیجه ادامه سیاستهای انحصار طلبانه
هنوز اقدامی اساسی در جهت حل مسئله خود مختاری ملیت عرب و رفاه
زحمتکشان و انقیام دردهای آنان از سوی دولت بعمل نیامده است .
در شرایط کنونی میهنمان هر یک از دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و
روسیه و دولت بعث عراق مستقیم و غیر مستقیم گوش میکنند با شدت به هرج
و مرج موجود انقلاب اسلامی ایران را به شکست کشانیده و ملت ایران را به
سلطه خود در آورند . از سوی دیگر علی رغم رهنمود مشخص امام خمینی در
زمینه برسمیت شناختن حق خود مختاری ملیت ها جناح انحصار طلب هیئت
حاکمه با نفی حق خود مختاری ملیتها بی توجهی به مسائل رفاهی زحمتکشان
شرایط را برای اخلاص قدرت طلبان چپ نما فراهم مینماید . دولت جمهوری
اسلامی ایران باید با حرکت از موضع حل مسئله ملیتها بر اساس یک سیاست
و برنامه روشن و وحدت طلبانه هر چه زودتر به خواست به حق ملیت عرب
رسدگی نماید و بدینوسیله گامی بزرگ در جهت وحدت فشرده ملیتها
ایران علیه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه بردارد ، و با طرد مشی انحصار طلبانه
زمینه اخلاص طلبان چپ نما را از میان بردارد .
در چنین اوضاع حساسی وظیفه خطیری بر دوش سپاه پاسداران و
ارگانهای اجرایی دیگر قرار دارد تا در بزقراری نظم انقلابی برخوردار
هوشیارانه و مسئولانه داشته باشند .

حزب رنجبران ایران بعنوان حزب طبقه کارگر ایران در زمینه حقوق
ملیتها در برنامه کنونی حزب آورده است :

۳- حقوق ملیت های تحت ستم و اقلیت های ملی و مذهبی

- باید حق خود مختاری ملیتها مختلف ایران اعم از آذری ، کرد ،
ترکمن ، عرب ، بلوچ و غیره در چارچوب استقلال ، تمامیت ارضی و حاکمیت
ملی به رسمیت شناخته شود .
- حق خود مختاری به معنی واگذاری هدایت امور محلی (سیاسی ،
اقتصادی ، امنیتی ، فرهنگی ، بهداشتی ، اداری) به شوراهای منتخب این
مناطق (مجالس ملی) می باشد . مسائل مربوط به دفاع ملی ، سیاست خارجی
و امور اطلاعاتی ، بازرگانی خارجی ، امور گمرکی ، برنامه ریزی عمومی اقتصادی
برای سراسر کشور از جمله تنظیم بودجه عمومی ، سیستم ادارهای عمومی پولی و
بانکی ، اخذ اعتبار و وام از خارج و داخل کشور ، تعیین میزان مالیات های
مستقیم و غیر مستقیم ، ارتباطات عمومی کشور و صنایع سنگین و معادن بزرگ
کشور در اختیار دولت است ، دولتی که نمایندگی کلیه ملیتها ایران باشد .
- در تمام روابط رسمی درون منطقه ، استفاده از زبان آن ملیت (در
ادارات ، مکاتبات ، مدارس ، دانشگاهها و وسایل ارتباط جمعی) رسمی است .
- زبان فارسی ، زبان مشترک کلیه ملیتها ساکن ایران است . در
دانشگاههای دیگر کشور برای بسط و گسترش فرهنگ ملیتها ، رشته های فرهنگ
ملیتها و ادبیات ملیتها باید تاسیس گردد .
- برای اقلیت های ملی و مذهبی (وابسته به ملیتها ساکن ایران که در
خارج از سرزمین خود زندگی میکنند و یا اقلیت های نظیر ارمنی ها ، آسوری ها ،
یهودی ها ، زرتشتی ها ، قزاقان و ...) باید شرایطی بوجود آورد که مدارس
به زبان خود داشته باشند .
- باید از طریق ایجاد شوراهای ویژه و دادن حق نمایندگی به اقلیت
های ملی در شوراهای سطوح مختلف امکان آداری امور این اقلیتها به دست
خودشان نامین گردد .

شعار ما در زمینه حقوق ملیتها عبارتست از : استقلال برای ایران ، خود
مختاری برای ملیتها .

گرامی یاد خاطره شهدای ملیت عرب در فاجعه خونین
۹ خرداد ۵۸

نه انحصار طلبی نه قدرت طلبی زنده باد اتحاد بزرگ ملی
نه آمریکا نه روسیه زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود .

حزب رنجبران ایران (بخش خوزستان)
۵۹/۳/۸

هجوم سرما به امپریالیستی
پشتشان خمگشته است تعلق
دارد ، اما بمتنا به یک جریان
اجتماعی ، بیبا نگر بخش مهمی از
آرمانهای مشترک کلیه اقشار
و طبقات خلقی یعنی استقلال
میهن از امپریالیسم حاکمیت
ملی و حق تعیین سرنوشت
برای مردم ایران است .
تاریخ مبارزه ضد
امپریالیستی مردم ایران
گواه نقش برجسته جریان ملی
گراشی مترقی در مبارزه به
خاطر استقلال میهن است . در
جنبش تحریم تنبا کوقیام کلنل
پسیان ، زانقلاب مشروطه تا
جنبش ملی شدن صنعت نفت ،
در تمام طول این دوره از تاریخ
کشورمان تا به امروز ، ملی
گراشی مترقی بمتنا به بخشی
از حرکت انقلابی و ضد امپریالیستی
مردم ایران به حیات خود
ادامه داده و میدهد . بگواه
همین واقعیات تاریخی ، ملی
گراشی مترقی ریشه های عمیقی
در اقلیتها و طبقات میانی ایران
که چهار لحاظ کثرت نفوس و چه
از لحاظ نفوذ و تاءثیر
اجتماعی نقش بسیار حساسی
در جامعه ما ایفا می نمایند ،
دارد و هیچ دلیلی - نه تاریخی
و نه اجتماعی - که نشانگر
تضعیف یا انحلال این جریان
باشد در دست نیست . بر عکس
با توجه با اینکه انقلاب ما
همچنان در مبارزه علیه
امپریالیسم و بویژه دوا بر
قدرت سلطه جوی آمریکا و روسیه
ادامه خواهد یافت و با توجه
با اینکه ملی گراشی مترقی
همواره وطنی سالیان طولانی
دارای پیوندهای فشرده و
نزدیکی با اسلام مبارزه بوده
و هست ، کلیه شواهد حکایت از
رشد و تقویت این جریان
تاریخی می نمایند .

ملی گراشی مترقی در
جامعه ما همواره با اعتقاد به
اسلام و اسلام مبارز با داشتن
روحیه میهن دوستی همراه بوده
و هست . این واقعیت تاریخی
نشان میدهد که میان این دو
جریان در جامعه ما نه تنها
تعارض و تضادی اساسی موجود

سبب ایمنی در جریان
تاریخی اسلام مبارز ، ملی
گراشی مترقی و سوسیالیسم
انقلابی بر اساس حاصل خلق
یعنی استقلال ، آزادی
و عدالت اجتماعی نهفته است .
بنابراین هرگونه انتقاد
به جریان ملی گراشی مترقی
باید از موضع وحدت ، بمنظور
رفع اشتباه و کمبود آرزو یجاد
شرایط برای فشرده تر کردن
صفوف اتحاد بزرگ ملی انجام
گیرد .

بخاطر داشته باشیم که
هم امپریالیسم آمریکا و هم
امپریالیسم روسیه با ملی
گراشی مترقی دشمنی و کینه
حیوانی داشته و طی سالیان
متوالی علیه آن توطئه جینی
کرده اند . امپریالیسم
آمریکا از طریق رژیم شاه
جنایتکار ، جنبش ملی ضد
امپریالیستی مردم ایران را
سرکوب نموده و نمایندگان
و فعالین جریان ملی گراشی
مترقی را به اعدام ، شکنجه و
زندانیهای طویل المدت
محکوم کرد و بدین ترتیب
دشمنی خود را با این جریان
مترقی ثابت نمود .
امپریالیسم روسیه نیز به
ملی گراشی مترقی بمتنا به
سدهای دربرابر سیاستهای توسعه
طلبانه و تجاوزکارانه خود
می نگردد و مبارزه با آنرا - در
کنار مبارزه با اسلام مبارز -
در کشورهای جهان سوم بخش
مهمی از سیاست خود قرار داده
است . این واقعیت در تزه های
مشهور بوریس پانوما ریف
تئوریسین برجسته امپریالیست
های روسی بصراحت بیان
گردیده است . دشمنی کینه
توزانه با ندکیانوری در حزب
توه با جریان ملی گراشی
مترقی را نیز باید دقیقاً در
همین رابطه ارزیابی کرد .
دشمنی دوا بر قدرت جنایتکار
و سلطه جوی ملی گراشی مترقی
نیز بنوبه خود میتواند با
دلیلی باشد بر لزوم تما یسز
گذاری میان دو نوع ملی گراشی
ما هیئا " متقاوت و لزوم عملی
ساختن اتحاد بزرگ ملی برای
ادامه انقلاب اسلامی ایران .

نامه یک کارگر اخراجی

نامهای را که در زیر میخوانید ، یک کارگر اخراجی به رنجبر نوشته است . نامه این کارگر حاوی نکات بسیار مهمی است که امروزه کارگران زحمتکش ما با آن روبرو هستیم ، کارگرانی که ستونهای محکم این انقلاب بودند و بار سنگین ادامه آن نیز در درجه اول بدوش آنان قرار دارد .

دوستان عزیز رنجبر ، سلام خسته نباشید

انشالله که مانند ما پیش اهل وعیال ، شرمندۀ نباشید و صاحب خانه و بقال سرکوجه در تعقیب شما نباشد . از حال ما کارگرها نپرسید که اوقاتمان تلخ تلخ است و بقول دوستان

بگویم ، انقلاب ما مبارزه همه اقشار و طبقات بدست آمده و بعضی خیال میکنند که نتیجه انقلاب فقط به گروه و حزب آنها تعلق دارد و بخاطر همین برداشت غلط است که ما کارگران را دیگر به بازی نمیگیرند و اگر از حق و حقوق خودمان حرفی بمیان بیاوریم فوراً چماق تکفیر را بلند میکنند و با گفتن "ضد انقلاب" ، خفه مان میکنند حالا دیگر این آقایان شده اند انقلابی و ما کارگران شده ایم ضدانقلابی ؟ میدانید چیست ، ما دیگر حاضر نیستیم بیشتر از این ، قانون کار ضد کارگری و علی الخصوص ماده ۳۳ طاغوتی را که ارت محمد رضا شاه است و آقای نعمت زاده وزیر کار آنرا مثل مردمک چشمش (ولو بقیه مست بیخانتان کردن ما و خانواده های ما)

آیا برای بالا بردن تولید ، باید با شکم خالی کار کرد ؟

اگر وزارت کار خودش را درست نکند درش را گل خواهیم گرفت

عزیزمیدارد ، قبول کنیم . وقتی به وزیر کار و به قانون کار احترام میگذاریم که در نوشتن قانون و بیدار کردن آن ، نمایندگان واقعی ما دخالت داشته باشند ، دولت از صبح تا شب از مستضعفین و زحمتکشان حرف

ما کارگرها مانند مرغ هستیم که هم در عروسی سرش را میبرند و هم در عزای . در آن موقع که طاغوتیان برو بیایی داشتند ، تا توانستند بما زور گفتند و حقمان را خوردند . اوافل این انقلاب امیدهای زیادی داشتیم و دلگرم بودیم که نجات پیدا خواهیم کرد . اما چه بگویم که جگرم میسوزد . شاید تا حالا متوجه شده اید که ما از این وزارت کار با آنهمه قوانین ضد کارگری چه میکشیم .

در این یکسال و اندی ما فقط شاهد دسته بندیها و دعوای بالائیها بوده ایم

میزند و هرکسی این روزها خودش را حامی ما کارگران میدانند ، ولی بما بگویند این نمایندگان که برای مجلس شورای ملی انتخاب شده اند چند نفرشان کارگردن ؟

راستش را بخواهید در این یکسال و اندی که از انقلاب میگذرد ما فقط شاهد دسته بندی ها و دعوای های بالایی ها بوده ایم و اینطور به نظر میرسد که آنها اصلاً در فکر ما و حل کردن مشکلات ما نیستند و در این بزن بزن هایشان هم بسادگی آب خوردن ما را هم قربانی جاه طلبی هایشان میکنند . این روزها ما را دسته دسته از کارخانهها بیرون میکنند و عده های باسم و در لباس حزب جمهوری اسلامی میخوانند در تمام کارخانه ها در

بالا فرار بگیرند و چند تا هم از این کارگرهای مقام پرست را برای رسیدن به منظور خود اجیر کرده و چشمهایشان را بسته و کارگرها را به اسم ضد انقلاب و کمونیست و از این قبیل از کارخانه بیرون میاندازند . این اشخاص با این کارهایشان تیشه به ریشه انقلاب میزنند . مثلاً در این موقعیت که همه ما مبینیم ، آمریکایی ها و روسها ، هر دو تایشان کشتی های جنگی خود را آورده و مارا محاصره کرده اند و مثل دوتا گرگ درنده چشم دوخته اند بما که از نادانی مان

به قانونی احترام میگذاریم که در نوشتن و پیاده کردن آن ، نمایندگان واقعی ما دخالت داشته باشند

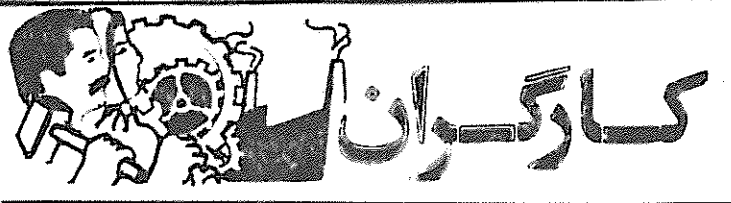
بیکار را به گلوله می بندند ؟ مگر این کارگران نمیتوانند تولید کنند و اگر آنها بیکار بگردند ، وابستگی به شرق و غرب کمتر میشود ؟ حالا عده های پیدا شده اند که میخواهند با باز کردن در بر روی شرق ، جلوی محاصره اقتصادی غرب را بگیرند !! بنظر ما کارگران ، موقعی ما از این محاصره اقتصادی و نظامی آمریکا جنایتکار رو سفید بیرون می آئیم که به توصیه های بعضی از وزرا و دولتی ها مثل احمدزاده ها گوش ندهیم و فقط به سروسامان دادن وضع کشاورزی و کارهای تولیدی و صنعتی و حل مشکلات زحمتکشان بپردازیم و در این زمینه هم برای مقابله با آمریکای جنایتکار و روسیه متجاوز ، به بازوان کارگران و زحمتکشان تکیه کنیم .

خلاصه آنکه با حرف و شعار نمیشود جلوی آمریکا و روسیه و سادات و بکین و صدام حسین ایستاد ، باید حرف و عمل ما یکی باشد . یعنی وقتی از ماها کاری را میخواهند ، باید مشکلات ما را هم ببینند و دردهایمان را درمان کنند . از یکطرف میگویند وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری

مشکلات ما را حل نمایند .

از طرف دیگر باید کارگران بپیر و از کار افتاده را با حقوق کافی باز نشسته کنند تا بقیه عمرشان را آسوده در کنار خانواده شان بسر ببرند و جای آنها را به برادران و خواهران جوانان که از فرط بیکاری به گدایی و فلاکت افتاده اند ، بدهند . آخر همش که نمیشود این مردم را با شعار و حرف و وعده و وعید سرگرم کرد ! همه میگویند باید کار کرد ، تولید کرد ، اینرا ما هم قبول داریم . باید کار کنیم و تولید را بالا ببریم و به مرز خود کفایی برسیم ، ولی آیا این کار را باید با شکم خالی انجام بدهیم ؟ راستی آنهایی که این حرف را میزنند پس چرا فکری به حال کارگران بیکار نمیکنند ؟ چرا کارگران

مشکلات ما را حل نمایند . از طرف دیگر باید کارگران بپیر و از کار افتاده را با حقوق کافی باز نشسته کنند تا بقیه عمرشان را آسوده در کنار خانواده شان بسر ببرند و جای آنها را به برادران و خواهران جوانان که از فرط بیکاری به گدایی و فلاکت افتاده اند ، بدهند . آخر همش که نمیشود این مردم را با شعار و حرف و وعده و وعید سرگرم کرد ! همه میگویند باید کار کرد ، تولید کرد ، اینرا ما هم قبول داریم . باید کار کنیم و تولید را بالا ببریم و به مرز خود کفایی برسیم ، ولی آیا این کار را باید با شکم خالی انجام بدهیم ؟ راستی آنهایی که این حرف را میزنند پس چرا فکری به حال کارگران بیکار نمیکنند ؟ چرا کارگران



کارگران

از روحیه وحدت طلبی و میهن پرستی کارگران بیاموزیم

گزارش زیر را که یکی از طرفداران حزب رنجبران ایران از "اصفهان" فرستاده است ، گویای دقت نظر و روحیه استقلال خواهی یک کارگر ذوب آهن در تحلیل از مسائل جامعه است :

دروسویس ایاب و ذهاب ذوب آهن با تعدادی از کارگران ذوب آهن صحبت میکردیم . طبق معمول بحث بر سر اوضاع مملکتی شروع شد و اولین مسائلی که عنوان شد مشکلات فعلی از قبیل گرانی ، بیکاری و بطور کلی هرج و مرج و بحران بود . البته بیشتر ، مسائل حول جریانات کارستان دور میزد . هر یک از کارگران نظری میدادند و هر نظر بخشی از حقیقت را در برداشت .

کارگری بنام محمود ابراهیمی که تقریباً ۵۰ سال دارد سر سخن را باز کرد و گفت : "تمام مشکلات تنها وقتی میتواند حل بشوند که ما استقلال کامل را بدست آوریم ، زمانیکه آمریکا از یکطرف و شوروی از طرف دیگر از طریق عوامل داخلی و خارجی خود توطئه میکنند ما حق نداریم به مسائل کوچکتر بپردازیم و آنها را برای خود بزرگ کنیم زیرا فقط ابرقدرتهای جهان خوار هستند که از این بازار آشفته سود میبرند . ما باید همگی دست بدست هم دهیم تا استقلال را بدست آوریم ، بعد از آن به اختلافات خانگی خود بپردازیم ، ما با هر کس که ایرانی باشد و ایرانی فکر کند میتوانیم بدون توجه به مرام و مسلک ، دوش بدوش یکدیگر مبارزه کنیم ، و مشکلات را یک بیک از سر راه خود برداریم ."

زحمتکشان میهن ما بدور از تنگ نظریها و خرده گیریهای رایج در نزد طبقات دیگر در باره مسائل و مشکلات میا ندیشند و نظرات این کارگر ذوب آهن نمونه ای از آن است . در صحبت های این کارگر به سه نکته زیر اشاره میکنیم :

اول آنکه این زحمتکش کلید حل مشکلات ایران را بدرستی در کسب

نکته قابل ذکر در این رابطه این است که با وجود آنکه مساله اصلی ما مبارزه بخاطر حفظ استقلال سیاسی و کسب استقلال در زمینه های اقتصادی فرهنگی و ... است ولی برای این مبارزه باید به توده ها تکیه کرد . توده ها زمانی از انقلاب دفاع کرده و در مقابل عوامل تضعیف آن از خود حساسیت نشان میدهند که حل مشکلات خود را در دستور کار انقلاب ببینند .

بنابراین برای آنکه مبارزه برای بدست آوردن استقلال در تمامی زمینه های اجتماعی با موفقیت ترین گردد ، باید خواسته ها و نیازهای زحمتکشان را در دستور کار انقلاب قرار داد و اینرا باید بدانیم که بدون برآوردن خواسته های برحق زحمتکشان و برداشتن موانع سر راه آنان ، نمیتوان در مقابل ابرقدرتها و عوامل آنها و همچنین کسب خودکفایی ، قدمی برداشت .

بیکار را به گلوله می بندند ؟ مگر این کارگران نمیتوانند تولید کنند و اگر آنها بیکار بگردند ، وابستگی به شرق و غرب کمتر میشود ؟ حالا عده های پیدا شده اند که میخواهند با باز کردن در بر روی شرق ، جلوی محاصره اقتصادی غرب را بگیرند !! بنظر ما کارگران ، موقعی ما از این محاصره اقتصادی و نظامی آمریکا جنایتکار رو سفید بیرون می آئیم که به توصیه های بعضی از وزرا و دولتی ها مثل احمدزاده ها گوش ندهیم و فقط به سروسامان دادن وضع کشاورزی و کارهای تولیدی و صنعتی و حل مشکلات زحمتکشان بپردازیم و در این زمینه هم برای مقابله با آمریکای جنایتکار و روسیه متجاوز ، به بازوان کارگران و زحمتکشان تکیه کنیم .

خلاصه آنکه با حرف و شعار نمیشود جلوی آمریکا و روسیه و سادات و بکین و صدام حسین ایستاد ، باید حرف و عمل ما یکی باشد . یعنی وقتی از ماها کاری را میخواهند ، باید مشکلات ما را هم ببینند و دردهایمان را درمان کنند . از یکطرف میگویند وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری



سپاه پاسداران زابل

عوامل آتش زدن خرمنها، اعدام خواهند شد

به گزارش خبرنگار رنجبر از زابل، روز دوشنبه ۵ خرداد ماه در ده "دز محمد" (نزدیک مرز افغانستان) بین چند نفر که قصد آتش زدن خرمنها را داشتند و پاسداران درگیری شد. در این درگیری یک پاسدار شهید و چهار نفر از مهاجمین دستگیر شدند. در پی این حادثه روابط عمومی سپاه پاسداران طی اطلاعیهای که صادر کرد متذکر شد: از این پس هر کس را که قصد آتش زدن خرمنها را داشته باشد دستگیر نمایند، مفسد فی الارض شناخته خواهد شد و اعدام میشود. بانزدیک شدن فصل برداشت محصول، در گوشه و کنار ایران، ضد انقلاب دست به خرمن سوزی و نابودی ثمره زحمت دهقانان زده است. عوامل زمینداران بزرگ و طاغوتی، عوامل امپریالیستها که میخواهند کماکان مارا در وابستگی به خود نگه دارند، به تلاشی عبث میادرت میکنند. دهقانان بیدار و زجر کشیده ماکه پس از سالیان دراز با تقسیم زمینهای غاصبین به گشت و زرع پرداختند، اجازه نطقه و خرمن سوزی را به آنها نخواهند داد. دهقانان باید با ایجاد کمیتههایی اقدام به حفاظت و نگهداری مزارع خود بنمایند و با دستگیری عوامل ضد انقلاب با همکاری ارگانهای مسئول، آنان را به سزای اعمال جنایتکارانه شان برسانند.

زمین است. آنها نه سرمایه گشت دارند و نه میتوانند از این وام برخوردار گردند. فکر اساسی برای حل مساله کشاورزی تقسیم زمین و

دادن سرمایه بشکل وامهای بدون بهره و یا با بهره بسیار پایین به زحمتکشان روستایی است و اساسا باید پرسید چگونه این جنبش تبعیضی بر سر اعطای وام به روستائیان صورت میگیرد و چه کسانی بر آن نظارت دارند؟

حیدر آباد گرگان تبعیض در پرداخت وام

را بشکل بسیار نامتعادلی پرداخت کرده است. مثلا از دونفر یا ۵۰ هکتار زمین، به یک نفر ۲۵ هزار تومان و به دیگری ۴ هزار تومان پرداخت شده است. به کشاورزان بی زمین هم اصولا وامی داده نشد و آنها را به شهر رجوع می دادند. مساله ای که در این مورد اهمیت دارد وضع بد دهقانان بی

اخیرا در روستای حیدرآباد (۱۵ کیلومتری گرگان) از ۵۰۰ هکتار زمین غصبی ۲۵ هکتار آن را در اختیار دهقانان بی زمین قرار داده اند که ۱۲ هکتار آن توسط زابلی های مقیم گرگان پنبه و بقیه آن شالی گشت میشود. شرکت تعاونی این روستا به میزان ۸۰۰۰۰۰ تومان وام بدون بهره

قانون جدید کار باید بنفع طبقه کارگر و با شرکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود

آشنائی مختصر...

مدافعه قاطع از مرزهای عقیدتی و ملی خود را در دست میا رکت در اتحادیه های زیان بخش نظامی علیه دیگران. از این رو با یدارتنش سودهای مشکل از مردم با استفاده از کارهای موء من و انقلابی ارتش برای حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل داد. واحدهای همیشه آماده نظامی بجای استقرار در شهرها یا ید در مرزهای حساس کشور مستقر گردند.

در بسیاری از مناطق کشور مان بزرگ مالکی هنوز ادامه حیات میدهد. بزرگ مالکی

طبعاً "ضد انقلابی و متمایل به جلوگیری از حرکت ترقی خواهانه انقلابی است... ضروری است با واگذاری اراضی بزرگ مالکی که اکثر قریب به اتفاق آنها غصبی است و به زور یا حيله از دهقانان گرفته شده و صاحبان کار، هم با زدهی افزایش یا بدو هم خطر را قبل از وقوع جبران کرد. سرمایه داری وابسته

"نظام عدل اسلامی برای تداوم و حفظ ارزش های خود باید با شدت هر چه تمام تر متراژ اعاده قدرت و نفوذ سرمایه داری وابسته جلوگیری بعمل آورد و آنرا از تمام جهات به مثابه عامل تسلط امپریالیسم سرکوب و ریشه کن نماید."

"سیاست نفتی ایران باید برشالوده ملی بودن تام و تمام

آن تابعی از سیاست عمومی کشور در جهت برنامهدار ری سالم و مستقل اقتصادی - اجتماعی باشد. سیاست کلی ما باید در بلندمدت تقلیل صادرات نفت خام با بسط صنایع پتروشیمی و صدور فرآورده های آن بجای صنایع انرژی نظیر گاز، ذغال سنگ و غیره باشد.

با زرگانی خارجی "باید در ماهیت و ساخت سیاست با زرگانی کشور تجدید نظرهای اساسی به عمل آید. باید هرگونه امکاناتی که با زرگانی خارجی را بوسیله رخنه و سلطه سرمایه ها یا انحصاری امپریالیستی بدل سازد از زمین برد.

سیاست خارجی "سیاست خارجی ایران بر اساس حمایت از صلح جهانی به ویژه صلح در منطقه خاورمیانه استوار است. اما مفهوم صلح از نظر ما صلحی عادلانه یعنی شرایط زندگی مساومت آمیز بین المللی به نفع ملت های مستضعف و غارت شده بوسیله امپریالیسم. ایران از تمام کشورهای که در روابطشان با دیگر دولت ها، مشی ضد امپریالیستی دارند حمایت میکند...

ایران از تمام جنبشهای آزادیبخش جهان قاطعانه و صادقانه حمایت میکند.

ولایت فقیه "این اصل نتیجه علمی و منطقی و اسلامی اصل لزوم دخالت دین در سیاست و حتی یگانگی آندوست، به اعتقاد ما روحانیت مترقی پرچمدار

مبارزات ضد استعمار، ضد استبداد و ضد امپریالیستی ملت ایران نه فقط در دوران اخیر بلکه در طول تاریخ اسلام نیز میباید شد. آزادی ها و حقوقا قلیتها

"آزادی های سیاسی و اجتماعی برای اکثریت باید تا مین گردد... منظور ما از آزادی های سیاسی و اجتماعی، سرمایه داران وابسته، فئودالها، بازماندگان و وابستگان به رژیم گذشته و امثال این مستکبران نیست. مسئله اقوام

"کلیه اقوام در قلمرو قوانین مملکتی با حفظ تمامیت ارضی کشور در تعیین سرنوشت خود برای با سازی و رفاه و تعالی فرهنگ قومی خویش آزادند."

حبیبی در برنامهدار شده کارگران، دهقانان، زنان رانبروی عمیقاً سازنده و بسیار فعال هم در امر سرنگونی رژیم شاه و هم سازندگی ایران نوین ارزیابی میکنند و لغو همه گونه تبلیغات و قوانین ظالمانه را نوید میدهد.

آراء حبیبی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۵ و در انتخابات مجلس شورای ملی در تهران ۱۳۷۸ و ۱۳۵۲ رای بود. حبیبی در مورد اول کاندیدای حزب جمهوری اسلامی و در مورد دوم کاندیدای "ائتلاف بزرگ" و دفترهما هنگی همکار ریهای مردم با رئیس جمهور بود. دکتر حسن حبیبی همچنین کاندیدای حزب ما برای مجلس شورا بود.

تصحیح و بوزش

در مقاله رنجبر شماره ۵۸ پنجشنبه ۸ خرداد دربارۀ تئوری سه جهان (بخش مربوط به جهان سوم) در صفحه ۳ اشتباهی در صفحه بندی رخ داده که بدین ترتیب تصحیح می شود. در ستون اول بقیه مقاله جهان سوم (صفحه ۳)، ۲۵ خط اول باید پس از ۲۲ خط دوم بیاید. خط آخر این ستون و خط اول ستون بعد چنین خوانده می شود: علاوه بر این دسته از رژیم ها، جهان سوم کشور های سوسیالیستی را نیز شامل می شود. زیرا کشورهای

جهان دوم

نیروئی که میتوان آنرا در مبارزه علیه دوا بر قدرت جلب نمود

جهان دوم کشورهای امپریالیستی تراز دوم یعنی کشورهای اروپا، ژاپن و نیز کانادا و استرالیا را در بر میگیرد. تئوری سه جهان این کشورها را در جایگاهی بینابینی - در میان جهان اول و جهان سوم - قرار میدهد از یک طرف، این کشورها، کشورهای امپریالیستی اند. آنها دارای یک گذشته طولانی استعماری و امپریالیستی اند. بعضی از آنها مانند فرانسه و انگلیس در گذشته امپراتوری های بزرگ استعماری بودند. و مناطق وسیعی از جهان را (هندوچین و آفریقا) تحت سلطه استعماری خود داشتند. بعضی از آنها مانند آلمان، بزرگترین جنگ امپریالیستی را (جنگ دوم جهانی) بر اه انداختند و خلفای و کشورهای متعددی را به زیر اشغال فاشیستی خود درآوردند. همه آنها نوعی در غارت و استعمار خلقهای جهان و بخصوص خلقهای محروم جهان سوم شرکت داشته و علمدار استعمار بوده اند. لکن اوضاع مدتهاست که تغییر کرده است. از بعد از جنگ دوم جهانی در اثر رشد روزافزون مبارزات توده های استقلال طلبانه جهان سوم، امپراتوری های استعماری گهنگه یکی پس از دیگری فرو ریخت. کشورهای جهان دوم مستعمرات خود را یکی پس از دیگری از دست دادند. از طرف دیگر آنها با رقیب غول بیکر نیرومندی یعنی امپریالیسم آمریکا روبرو شدند که پس از جنگ دوم به امپریالیسم مسلط در سطح جهانی تبدیل گردید و کشورهای اروپایی و ژاپن را به سطح دوم و سوم پس زد. امپریالیسم آمریکا سردمدار استعمار نوین گردید و حتی شاخه های نفوذ خود را از طریق سرمایه های خود در کشورهای اروپایی نیز به سرعت گستراند و جای زیادی برای غارت نو استعماری در اختیار جهانخواران قدیمی باقی گذاشت.

پس از آن در سالهای ۶۰ و ۷۰، ابر قدرت امپریالیستی جدیدی با به عرصه نبرد جهانخواران گذاشت و آن سوسیال امپریالیسم شوروی است. این دو ابر قدرت به شهادت ارقام و آمار بزرگترین قدرتهای امپریالیستی تاریخند و از نظر اقتصادی و نظامی هر کدام چند برابر مجموع کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن نیرو دارند. تولید ملی هر کدام از آنها مساوی

تئوری سه جهان چراغی برای مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای جهان (بخش آخر)

سلطه خود را بر جهان دوم که بزرگترین مجموعه اقتصادی و انسانی جهانی صنعتی است برقرار سازند. از طرف دیگر همانطور که گفتیم آنها خودشان مورد فشار و تهدید دوا بر قدرت هستند. امپریالیسم آمریکا با توسل به حربهای اقتصادی و سیاسی آنها را تحت فشار قرار میدهد. بعنوان مثال، آنها ناگزیرند بار نوسانات دلار را بدوش بکشند و ضررهای حاصل از سقوط دائمی آنرا تحمل کنند و این امر به اقتصادی آنها لطمات شدید وارد می آورد و منافع بورژوازی های امپریالیست حاکمه بر جهان دوم را به خطر می اندازد. از جانب دیگر، سوسیال امپریالیسم شوروی با متمرکز کردن دو ثلث نیروهای نظامی خود در اروپای شرقی در برابر نیروهای نظامی اروپای غربی، این کشورها را در معرض خطر دائمی تجاوز خود قرار داده است. کشورهای اروپای غربی از سویی در برابر خطر شوروی مجبورند به دامان آمریکا پناه برند و از سویی دیگر در برابر فشار آمریکا مجبورند در برابر آن مقاومت کنند. زیرا منفعت اساسی آنها در اینست که از بلعیده شدن خود توسط آمریکا یا شوروی جلوگیری کنند. آنها از سوئی بمثابه امپریالیسم جهان سوم را مورد استثمار قرار میدهند و از سوی دیگر در برابر دوا بر قدرت جهانخوار مجبورند برای حفظ منافع خود در جهان سوم، به این کشورها امتیازاتی بدهند. باین دلایل تئوری سه جهان معتقد است که جهان دوم (ژاپن و اروپا) دارای موقعیتی بینابینی است.

سلطه خود را بر جهان دوم که بزرگترین مجموعه اقتصادی و انسانی جهانی صنعتی است برقرار سازند. از طرف دیگر همانطور که گفتیم آنها خودشان مورد فشار و تهدید دوا بر قدرت هستند. امپریالیسم آمریکا با توسل به حربهای اقتصادی و سیاسی آنها را تحت فشار قرار میدهد. بعنوان مثال، آنها ناگزیرند بار نوسانات دلار را بدوش بکشند و ضررهای حاصل از سقوط دائمی آنرا تحمل کنند و این امر به اقتصادی آنها لطمات شدید وارد می آورد و منافع بورژوازی های امپریالیست حاکمه بر جهان دوم را به خطر می اندازد. از جانب دیگر، سوسیال امپریالیسم شوروی با متمرکز کردن دو ثلث نیروهای نظامی خود در اروپای شرقی در برابر نیروهای نظامی اروپای غربی، این کشورها را در معرض خطر دائمی تجاوز خود قرار داده است. کشورهای اروپای غربی از سویی در برابر خطر شوروی مجبورند به دامان آمریکا پناه برند و از سویی دیگر در برابر فشار آمریکا مجبورند در برابر آن مقاومت کنند. زیرا منفعت اساسی آنها در اینست که از بلعیده شدن خود توسط آمریکا یا شوروی جلوگیری کنند. آنها از سوئی بمثابه امپریالیسم جهان سوم را مورد استثمار قرار میدهند و از سوی دیگر در برابر دوا بر قدرت جهانخوار مجبورند برای حفظ منافع خود در جهان سوم، به این کشورها امتیازاتی بدهند. باین دلایل تئوری سه جهان معتقد است که جهان دوم (ژاپن و اروپا) دارای موقعیتی بینابینی است.

وقتی ما میگوئیم جهان دوم در موقعیتی بینابینی است به هیچ وجه بدین معنی نیست که این کشورها دیگر دارای ماهیت امپریالیستی نیستند و یا جهان سوم را استثمار نمی کنند و یا در پی بسط نفوذ اقتصادی خود در جهان سوم نیستند. خیر چنین چیزی نیست. ما میگوئیم آنها نمیتوانند سلطه خود را بر کشورهای برقرار سازند. زیرا دو ابر قدرت جهانخوار به آنها چنین اجازه ای را نمیدهند. اگر به سراسر جهان سوم نگاه کنیم می بینیم که در هیچ کشوری - با استثنای موارد بسیار معدود - قدرتهای اروپایی و یا ژاپن در عین داشتن نفوذ اقتصادی، سلطه ندارند. بر عکس همه کشورهای در بند جهان سوم یا زیر سلطه و اشغال آمریکا هستند و یا زیر سلطه و اشغال شوروی و این دو ابر قدرت برای سلطه بر این یا آن کشور بطرز وحشیانه ای با یکدیگر رقابت میکنند و برای پیشبرد مقاصد خود به انواع توطئه ها و حتی به انجام کودتا و اشغال نظامی متوسل میشوند.

بنا بر این لازم است که ما میان دشمنان خود تفکیک قائل شویم - وقتی از دوا بر قدرت صحبت می کنیم دقیقاً منظورمان اینست که دوا بر قدرت امپریالیستی را از قدرت های امپریالیستی تفکیک کنیم. باید بروشنی درک کنیم که ابر قدرت امپریالیستی با قدرت امپریالیستی فرق دارد. دشمنان اصلی ما دوا بر قدرت هستند. در مبارزه سیاسی نمیتوان با همه دشمنان یکسان مبارزه کرد. بلکه باید آتش اصلی حمله را بروی این دشمنان اصلی متمرکز

دوا بر قدرت است. به چه طریق؟ به این طریق که اولاً از تضادی که آنها با دوا بر قدرت دارند از نظر سیاسی استفاده می کنیم و مثلاً نمیکذاریم آنها بدستور آمریکا مارا محاصره اقتصادی کنند. ثانیاً باز بر اساس همین تضاد، در مناسبات و مبادلات اقتصادی و بازرگانی با آنها میگوئیم تا شرایطی را که بیشتر به سود ما باشد یعنی مناسباتی کمتر نابرابرانه را به آنها تحمیل کنیم. ثالثاً از این طریق بخش مهمی از نیازهای رشد اقتصادی خود را یعنی نیاز به تکنولوژی را تأمین کرده و اجازه نمیدهیم دوا بر قدرت سلطه گر به بهانه رفع این نیازها بر میهن ما مسلط شوند و بدین ترتیب استقلال خود را تار و پودن به خودکفایی تحکیم می کنیم.

بعضی ها میگویند چنین چیزی ممکن نیست، اروپا به دم آمریکا چسبیده و برقراری مناسبات با اروپا یعنی برقراری مناسبات به آمریکا اضافه میکنند که هواداران تئوری سه جهان میخواهند امپریالیسم آمریکا را از در عقب (یعنی از طریق ژاپن و اروپا) وارد مملکت کنند. این حرف مخالفین تئوری سه جهان ناشی از جهالت آنهاست. آنها تضادهای میان اروپا و آمریکا را نمی بینند، آنها نمی فهمند که کشورهای اروپایی قادر به برقراری سلطه خود نیستند. و این همان جان کلام است که آنها درک نمیکنند: سلطه جویی امروز در انحصار دوا بر قدرت است. اگر ما محکم جویی سلطه جویی دوا بر قدرت بایستیم آنوقت قادر خواهیم بود اروپا را وادار به احترام به استقلال و تمامیت ارضی خود بنمائیم، آنوقت قادر خواهیم بود از اروپا امتیازات مهمی در زمینه های اقتصادی و سیاسی کسب کنیم. و نگذاریم که شرایط آسرتبار روابط و قراردادهای سلطه گرانه که منتهی دوا بر قدرت است بر ما تحمیل شود.

اتفاقاً این مخالفین که اینهمه به اروپا جنگ و دندنان نشان میدهند همان کسانی هستند که بایشان در مبارزه با دوا بر قدرت بخصوص شوروی میلنگند. به آنها باید گفت: "قاج زین را بجسب سواری پیش کشت"، علیه دوا بر قدرت محکم مبارزه کن، مبارزه علیه جهان دوم پیش کشت. علاوه از آنها باید پرسید اگر کشورهای جهان سوم همه ارتجاعی اند، اگر جهان دوم فرقی با آمریکان ندارد، پس کشور ما برای باز سازی خود از کجا کمک بگیرد. به یکباره که نمیتوان خودکفای شد. به یکباره که نمیتوان از کمکهای فنی و اقتصادی خارجی بپنیا زد پس از کجا باید کمک گرفت؟ پاسخ آنها روشن است، آنها چه بخواهند و چه نخواهند یک راه بیشتر برایشان باقی نمی ماند: راه متوسل شدن به "کمک" های ابر قدرت شوروی.

حال آنکه تئوری سه جهان دقیقاً میگوید باید از دوا بر قدرت احتراز کرد چون آنها تنها کسانی هستند که قادرند سلطه خود را بر جهان سوم اعمال کنند. باید با جهان سوم اتحاد محکمی بوجود آورد چون آنها تنها نیرویی هستند که قادرند شدیدترین مبارزه را علیه دوا بر قدرت به پیش برند. باید اروپا را در مبارزه علیه دوا بر قدرت جلب نمود چون آنها خودشان از سلطه و فشار و تهدیدات دوا بر قدرت در عذابند و قادر نیستند سلطه خود را بر میهن ما برقرار

روانه دارند. در همین کشور خود ما شاهد آنیم که گروهک های متعدد مارکسیست نمائی وجود دارند که مخالف این تئوری هستند. اما از طرف دیگر وجه مشترک آنها دشمنی با جمهوری اسلامی با اسلام مبارز، با ملی گرایی مترقی و در یک کلام دشمنی با توده های مردم است که از حکومت ملی و از رهبری امام خمینی و از اسلام مبارز پشتیبانی میکنند. مخالفان تئوری سه جهان در واقع با جنبش استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی خلقهای جهان سوم مخالفت میکنند.

اما قدرت و حقانیت تئوری سه جهان تنها در این نیست که از جانب جنبش کمونیستی بین المللی مورد قبول واقع شده است. بلکه در اینست که امروز در سراسر جهان و بخصوص جهان سوم نیروهای وسیع استقلال طلب عملاً در خط این تئوری مبارزه میکنند، ملت آن اینست که تئوری سه جهان از آسمان برای کمونیستها نازل نشده است و به طور مادرزادی هم به آنها منتقل نشده است، بلکه مانند هر تئوری دیگری مانند هر حقیقتی بر اساس واقعیات گوناگون پدیده های زندگی سیاسی اقتصادی، اجتماعی جهان کنونی تدوین شده است.

بنابراین عجیب نیست اگر زبان نیروهای استقلال طلب غیر کمونیست نیز ما نظرات و تزهایی می شنویم که با نظرات و تزهایی تئوری سه جهان شباهت و قرابت و گاه حتی یگانگی دارد البته در میزان عمق و برد نتیجه گیریها و ارزیابی ها از واقعیات سیاسی میان یک کمونیست استقلال طلب و یک غیر کمونیست استقلال طلب تفاوت موجود است، لکن طبیعی است که هر عنصر استقلال طلب مبارزی از خواست استقلال میهن از دوا بر قدرت حرکت کند اگر واقع بینانه به اوضاع جهان نظر آنگند و اگر از سطح به عمق نفوذ کند و بخرنجب و بیچیدگی مناسبات نیروهای سیاسی گوناگون جهان کنونی رادریابد به نتایج مشابه یک کمونیست استقلال طلب میرسد.

مخالفین تئوری سه جهان که از درک این معنی عاجزند، به رئیس جمهور منتخب مردم ما "سه جهانی" و "ماوئیست" لقب داده اند. آنها با زدن این برچسبها به مبارزات استقلال طلبی مانند بنی صدر در حقیقت کینه و خصومت خود به بنی صدر را به تئوری سه جهان و بهر چه که استقلال طلبانه است نشان میدهند. لکن آنها نمی فهمند که باینکار دقیقاً بر صحت تئوری سه جهان اقرار کرده اند. زیرا در حالیکه "ماوئیست نبودن بنی صدر بر همگان روشن است" خط استقلال طلبانه بنی صدر خط مورد قبول توده های وسیع مردم ماست، توده هایی که نشان دادند اشتباه نمیکنند.

وانگهی بنی صدر تنها شخصیتی نیست که مستقل از مارکسیسم بنی نتیجه گیری های درست از اوضاع جهانی رسیده است. آیا امام خمینی خود بارها نظرات مشابهی ابراز نداشته است؟ وقتی که امام خمینی در ارتباط با تحریم اقتصادی ایران میگوید: آقای کارتر فکر میکند همه نوکر او هستند و این فکرها باطل است زیرا کشورهای اروپایی برای خودشان مستقل اند و دنبال کارتر نمیروند، اودقیقاً به تضاد میان جهان اول و جهان دوم اشاره میکند و سیاست درست انفراد از دوا بر قدرت و جلب جهان دوم را طرح میکند آیا میتوان امام خمینی را متهم به "سازش" با غرب نمود؟! آیا امام خمینی بارها بر روی اتحاد "دنیای ثالث" در مبارزه با ابر قدرتها تکیه نکرده است؟ آیا امام خمینی بارها از سران کشورهای اسلامی خواسته است که به ملت خود جوړوتم نکنند و با ابر قدرتها بجنگند؟ آیا میتوان امام خمینی را متهم به "سازش با ارتجاع کشورهای جهان سوم نمود؟

روشن است که اتهاماتی از این قبیل که به کمونیستهای راستین و به سه جهان وارد میاید در جهت حملاتی علیه استقلال طلبی و استقلال طلبان است. عاملان اصلی این حملات تنها چپنماهای "مارکسیست" و "مسلمان" نیستند بلکه سردمداران این کارزار عمال مزدور و سرسپرده ابر قدرت روس یعنی دارودسته های تئوری در حزب توده است

زاین نیرو دارند. تولید ملی هر کدام از آنها مساوی تولید ملی مجموع ۹ کشور اروپایی عضو بازار مشترک است. قدرت نظامی هرکدام آنها باندازه مجموع قدرت نظامی ۴ کشور بزرگ اروپایی (انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا) است. در سراسر تاریخ استعمار، چنین پدیده‌های سابقه نداشته است. در گذشته بودند قدرتهایی که از قدرتهای امپریالیستی دیگر یک سر گردن بالاتر بودند، لکن ابر قدرت امپریالیستی پدیده‌های کاملا جدید است. آنها به اتکاء این قدرت اقتصادی و نظامی خود یک مقام کاملاً سیادت طلبانه برای خود بدست آورده‌اند، بطوریکه تنها این دوا بر قدرت‌اند که قادرند برای سیادت و سلطه بر جهان با یکدیگر رقابت کنند. بقیه قدرتهای امپریالیستی قادر به چنین رقابت جهانی نیستند. آنها میکوشند منافع امپریالیستی خود را در کشورهای جهان سوم ازگزند دوا بر قدرت در امان نگاه دارند و دوا بر قدرت میکوشند

باید اتش اصلی حمله را بروی این دشمنان اصلی متمرکز نمود. اگر نه شکست حتمی خواهد بود. اما با دشمنان فرعی چه باید کرد؟ با آنها نیز باید مبارزه کرد. لکن مبارزه با دشمنان فرعی قوانین خاص خود را دارد که با قوانین مبارزه علیه دشمن اصلی فرسوخ میکند. با توجه به ارزیابی فوق از نقش جهان دوم بمثابه نیروی بینابینی، تئوری سه جهان معتقد است که خلقها و کشورهای جهان سوم میتوانند در مبارزه با دشمنان اصلی (دو ابر قدرت)، کشورهای جهان دوم را به سوی خود جلب کنند. این "جلب کردن" به چه معنی است؟ آیا بدین معنی است که از آنها دعوت کنیم بیایند آزادانه مملکت ما را بجایند؟ آیا بدین معنی است که با آنها اجازه دهیم سیاست ما را آنها تعیین کنند؟ به هیچ وجه! این "جلب کردن" به معنی استفاده کردن از آنها در مبارزه علیه

دردابند و قادر نیستند سلطه خود را بر مینما تا برقرار سازند. اینست راه منطقی درسیاست خارجی، اینست راه اصولی، اینست راهی که قادر است به ما کمک کند استقلال خود را با اتکانش بر نیروی لایزال توده مردم قدم بقدم تحکیم کنیم. اینست راهی که تئوری سه جهان به خلقهای جهان سوم پیشنهاد میکند. تئوری سه جهان امروز از جانب جنبش کمونیستی سراسر جهان مورد قبول واقع شده است. گروههایی که خود را مارکسیست لنینیست میدانند لکن با این تئوری به جدال برخاسته‌اند، در حقیقت نقش تعیین کننده خلقها و نیروهای استقلال طلب جهان سوم را انکار میکنند و با مسائل وقضایای جهان بخصوص با مبارزه جهان سوم برخورد چپ

ابرفدات روس یعنی دارو دسته‌ی کیانوری در حزب توده است که از این طریق بطرز مزورانه‌ی میکوشد امام خمینی، رئیس جمهور بنی صدر، اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و دریک کلام جمهوری اسلامی و خطنه شرقی نه غربی آن را بگوید و تضعیف کند و جاده را برای نفوذ توده‌ها و سلطه اربابان روسی خود هموار نماید. اما نه کمونیستها و نه استقلال طلبان بیدی نیستند که به این بادها بلرزند. عمال روس قادر نیستند تئوری سه جهان را دچار شکست سازند. تئوری سه جهان نیرموند است برای اینکه حقیقت است و حقیقت است برای اینکه بر واقعیات استوار است. تئوری سه جهان که بر اساس واقعیات تدوین شده بطور روزمره صحت خود را درپوشه آزمایش در مبارزه عظیم طبقاتی و ملی در سطح جهانی به اثبات میرساند، پس اگر عمل (پراتیک) یگانه معیار حقیقت است درستی تئوری سه جهان در عمل به اثبات رسیده است.

سؤال: کدام نیروهای خارجی از انقلاب افغانستان پشتیبانی میکنند؟ کمک اساسی را از کجا دریافت می‌کنید؟

جواب: نیروی اصلی انقلاب افغانستان را آن جبهات جنگ می‌سازد که در داخل کشور قرار دارند. آنها با اتکای اسلحه سنتی شان جریان مبارزه را به پیش می‌برند و در این میان اسلحه را از دشمن بدست می‌آورند تا کنون هیچ کشور خارجی به این جبهات کمک نکرده است و کمک های نا چیز برخی از کشورها برای جنبش ما نیز به علل گوناگون و از آن جمله مانع تراشی مقامات پاکستان و ایران در جلب و رساندن این کمک ها به مبارزین واقعی هرگز نرسیده است. ما امیدواریم سازمانها و احزاب در سطح بین المللی و به ویژه در ایران و پاکستان و همچنین دولت های این کشورها نسبت به امر پشتیبانی از انقلاب ما توجه نموده و موانع موجود را بر طرف سازند. خلقهای افغانستان ایران و پاکستان

هر نیروئی با هر سابقه‌ای همین که موضع قاطعانه علیه روسیه بگیرد، از طرف توده های مردم طرد می‌شود

مصاحبه با گروه انقلابی خلقهای افغانستان (۳)

«اصلاحات ارضی» تره کی
پشتیبانان انقلاب افغانستان روحیه خلق افغانستان
حکومت ببرک کارمل، حکومت سوسیال فاشیسم

کم نکرد بلکه بار دهقانان را سنگین تر کرد. مقداری زمین که به دهقانان داده می‌شد، بدون توجه به مسئله ابزار تولید و مشکل آب و بذر و ازدیاد بیش از حد مالیات دولتی، باعث ورشکستگی دهقانان شده بدون آنکه به اساس فتوالمیسم ضربه بخورد، دهقانان را در معرض فشارهای بیشتری از قبیل مالیات سنگین دولتی و دهها کمیته "تعاونی" و غیره قرار می‌داد. مثلا جریان این اصلاحات ارضی بدین صورت بود که به فتوالم امکان داده می‌شد تا هر کدام ۳۰ جریب زمین مرغوب را به صورت انتخابی داشته باشد و همچنین می‌تواند دهقانان خود را به مزدوری بکشد. بنابراین در مناطق که "اصلاحات ارضی" انجام شده

حکومت کارمل حکومت سوسیال فاشیستی بر ژنی و ارتش متجاوز روسی‌های سفید است
خلقهای افغانستان، ایران و پاکستان درمی‌یابند که سر نوشت مشترکی، آنها را بهم نزدیک می‌سازد

دهقانان چون قدرت استفاده از زمین را نداشتند، ناچار زمین های تقسیم شده را به فتوالم پس داده و خود به روز مژدی مشغول شدند. از آنجائی که قبل و بعد از "اصلاحات ارضی" قیام مردم در مقابل سر کوب ضد خلقی دولت دست نشانده روس ها اوج گرفته بود و "اصلاحات ارضی" و رفم های دیگر نیز موثر واقع نشده بود، تجاوز مستقیم روسیه به کشور ما پیش آمد، در چنین شرایط هیچ رفمی نمی‌توانست در منحرف کردن سمت مبارزه مردم موثر واقع گردد. اما با وجود آن روس ها توسط ببرک در تلاش اند تا مردم را با حیل گوناگون به سوی خود جلب کنند. مثلا عده‌ای از مقامات بالا رتبه دوران ظاهر شاه و داود را به کارهای دولتی وا داشته، تا از تنفر مردم نسبت به پرچم و "خلق" بکشند و یا دست به ایجاد "کمیسوین صلح" تحت ریاست

جنایتکار شناخته شده‌ی مثل "اسد الله سروری" زندند تا با جبهه‌های جنگ در تماس گرفته و "مصالحه" را برقرار سازند. اما تمام این تلاش ها مضحک‌ای بیش نیست، ملت افغانستان اصلا به این تلاش‌ها و وقتی ننهادند و این تبلیغات شونده برای خود ندارند. جریان کنونی مبارزات مردم افغانستان چنان است که هیچ قدرتی و هیچ حیل‌های نمی‌تواند جلو آن را بگیرد.

تاکتیک مهم روس ها در افغانستان به خاطر سرکوب مردم پرورش نیروهای ذخیره و جلب عده از شخصیت ها که به نام دوستان روسیه شناخته شده‌اند. مثلا حتی روسیه در تلاش است شاه سابق افغانستان را به طرف خود جلب کند، هم اکنون عناصری در پشت پرده با نقاب "ملی" در خدمت شوروی قرار گرفته‌اند، که سیمای واقعی آنها را مردم ما هنوز نشناخته‌اند. ولی یک مسئله روشن است، هر نیرویی با هر سابقه‌ای و با هر چند نفوذی که باشد همین که ابراز

خشم مردم هر روز طوفانی تر شده و همه یکپارچه به قیام برخاسته اند تا پوزه شول جنگ افروز را به خاک بمالند

تصايل به روسیه کند و یا موضع قاطعانه علیه روسیه نگیرد، از طرف توده های مردم ما طرد می‌شود. این واقعیت جامعه ماست، سوسیال امپریالیسم روس در افغانستان مرتکب آن چنان جنایاتی شده است که دیگر با هیچ نوع تاکتیک عوام فریبانه ممکن نیست آن را از دیدگان مردم پنهان نمود و جریان مبارزه مردم را منحرف کرد.

سؤال: می‌توانید مختصری در مورد روحیه خلق افغانستان و جنایات روس توضیح بدهید؟
جواب: روحیه خلق افغانستان عمیقاً ضد امپریالیسم روس است. این روحیه ناشی از جنایات بیشماری است که امپریالیسم روس مرتکب شده و میشود هر چه روسیه به افزایش نیروهای خود و سرکوب وحشیانه توده‌های ما دست می‌زند، همان قدر روحیه استقلال طلبانه و انقلابی مردم ما بالا می‌رود. توده‌های ملت در مناطق مختلف کشور جهت اخراج روس ها و گرفتن انتقام از آنها و نوکران شان دست به تشکل های ابتدائی زده‌اند. و می‌توان گفت که موج وسیع ضد روسی هر روز عمیق تر و وسیعتر می‌شود، نه جنایات و کشتار روس ها و نه تاکتیک های عوام فریبانه هیچ کدام قادر نیست جلو خشم و اراده پولادین مردم ما را بگیرد. خشم مردم ما جریانی است که هر روز طوفانی تر شده و چنان همه گیر گشته است که حتی آن نیروها و افرادی که قبل از تجاوز، بالفعل و وسیع در انقلاب شرکت نکرده بودند بعد از اشغال کشور ما به رزمندگان فعال و بی شکست مبدل شده‌اند تمام اقشار و طبقات، کودک و جوان و پیر زن و مرد، نظامیان و غیر نظامیان همه و همه یکپارچه به قیام برخاسته‌اند تا پوزه شول جنگ افروز و مغرور را به خاک مالیده و در کشور ما اورا بیا محاکم بکشاند. ادامه دارد

رویدادهای جهان



ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی (آزانی) رهبر مذهبی این کشور را در حین انجام تظاهراتی در روز پنجم خرداد دستگیر نمود. راهپیمایی رهبران مذهبی در اعتراض به دستگیری دو روز قبل جان کنیش کلیسای ژوهانسبورگ انجام میگرفت. جان تورن اخیراً از جنبش دانشآموزان و دانشجویان دورگه این کشور در اعتراض به سیستم آموزشی نژاد پرستانه پشتیبانی نموده است و از همه دانش آموزان و دانشجویان دعوت نموده که به تحریم مدارس و دانشگاهها بپردازند. همچنین در شهر کیپ تاون پلیس به اعتصاب دانشجویان دانشگاه شهر با گاز اشک آور و سگ های پلیس حمله ور شد و عدهای را زخمی نمود.

در یکماه گذشته جنبش دانش آموزان و دانشجویان آزانیا اوج نویسی یافته و قادر شده است اقتدار مذهبی را به پشتیبانی از جنبش خود بکشد. رژیم فاشیستی پتروپوتا تظاهرات دانشجویان را با گلوله و سرکوب پاسخ داده است و بسیاری از دانشجویان و دانش آموزان در این درگیری ها کشته شدهاند.

ساوایه، آنگولا

سخنگوی چریکهای سازمان "یونیتا" روز ششم خرداد در پاریس اعلام نمود که در نبردی که بین نیروهای ارتش آنگولا و مزدوران کوبایی با شورشیان جنوب آنگولا در گرفت، ۱۹۰ سرباز آنگولایی و ۱۰ مزدور کوبایی کشته شدند. "یونیتا" طی این نبرد شهر ساوایه در نزدیکی مرز آنگولا و نامیبیا را به تصرف خود در آوردند. ۱۰ چریک یونیتا در این نبرد کشته شدند. طبق گفته سخنگوی یونیتا تصرف شهر ساوایه بخشی از تعرض عمومی این سازمان علیه رژیم وابسته آنگولا به سوسیال امپریالیسم روسیه می باشد. دو هلیکوپتر روسی مدل می-۸ نیز توسط چریکها سرنگون و ۱۰ راکت ۱۲۲ میلیمتری بغنیمت گرفته شد.

بلگراد، یوگسلاوی

"رفیق تیتو، قسم یاد میکنیم که راهت را ادامه دهیم". با چنین روحیه وفاداری به مارشال تیتو، یوگسلاوی ۲۵ می (پنجم خرداد) امسال رابه یاد هشتادوهمین سالگرد تولد تیتو گرامی داشت. در این روز مراسم با شکوهی در بلگراد با شرکت بیش از ۵۰۰۰۰ نفر برگزار شد. مراسم سالگرد تولد تیتو که با جملات بالا آغاز شد، به اراده استوار مردم یوگسلاوی در ادامه راه غیر متعهد تیتو و در دفاع از استقلال ملی این کشور اختصاصی داده شده بود. مقامات رهبری یوگسلاوی طی سخنرانی های خود در این مراسم بر وحدت ملی و تدارک برای مقاومت علیه هرگونه تجاوز تاکید گذاشتند.

توکیو، ژاپن

هواکرافت نخست وزیر چین صبح روز سه شنبه برای مذاکره با مقامات ژاپنی وارد توکیو شد. هواکرافت در اولین نطق خود خطاب بیک اجتماع ۲۵۰۰ نفری از رهبران سیاسی ژاپن در توکیو اظهار داشت که "ما قاطعانه اعلام می کنیم که جز جهان سوم هستیم و در کنار جهان سوم باقی خواهیم ماند و هیچگاه بدنبال سرکرده گرابی نخواهیم رفت. چین هرگز ابرقدرت نخواهد شد." در مورد تهاجم جهانی شوروی فنک ادامه داد که "همچنان که در دهه ۱۹۸۰ به پیش میرویم عوامل ایجاد کننده جنگ و تشنج افزایش مییابد. اگر به همسایگان اطراف خود نگاه کنیم می بینیم که از شرق تا غرب آسیا دچار جنگ و تشنجات بین المللی است." هواکرافت ضمن محکوم نمودن حکومت نظامی کره جنوبی در سرکوب جنبش مردم این کشور تجاوز شوروی را نیز محکوم نمود و خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا از خاک کره جنوبی شده است. نخست وزیر جمهوری خلق چین اشغال کامبوج را توسط ویتنامی ها که با پشتیبانی شوروی انجام گرفت اولین گام تعرض شوروی به تنگه مالاکا ارزیابی نمود. وی گفت که موفقیت شوروی در کامبوج راه را برای تجاوز به تایلند و سایر کشورهای جنوب شرقی آسیا باز خواهد گذاشت.



هرات

رادیو کابل که صدای آن در پاکستان (اسلامآباد) شنیده میشود اعتراف کرد که شهر هرات صحنه زود خوردبین مجاهدین و نیروهای مشترک روس - کابل است. براساس همین گزارش بخش های مهمی از شهر هرات که مرکز ایالتی است در دست نیروهای مبارز افغانستان است. رادیو اضافه میکند که مرکز پلیس شهر هرات مورد حمله مجاهدین قرار میگردد و عدهای از پلیس مزدور دولتی کشته میشوند.

شرافت کوه

براساس گزارش سخنگوی حرکت انقلاب اسلامی افغانستان مجاهدین افغانی جبهه "اناردره" واقع در استان "فرا" مربوط این سازمانها چهارصد و شصت دستگاه تانک و زره پوش و کامیون و خودرو، نفربر روسی را محاصره کرده و در یک جنگ ۱۲ ساعته که بین دو طرف در گرفت شش تانک زرهی ارتش اشغالگر روسی منفرج و پاتش کشیده شد و پنجاه و شش سرباز روسی کشته شدند. طبق همین گزارش مجاهدین جبهه "رنگین کوه" و "شرافت کوه" واقع در استان فراه در یک حمله مسلحانه به زندان عمومی مرکز استانداری "فراه" بیش از هشتصد تن از زندانیان سیاسی را آزاد کردند و در جریان این حمله یک افسر و سیزده سرباز نکهبان به مجاهدین پیوستند. در این حمله مقادیر زیادی اسلحه مهمات بدست مجاهدین افتاد.

تنگه بسفر، ترکیه

دو ناو هلیکوپتر بر و یک ناو جنگنده مجهز به موشک های هدایت شونده که جز ناوگان روسیه در آبهای دریای مدیترانه میباشند، برای سوخت گیری در بندر نظامی اودسا، روز ۵ خرداد از تنگه بسفر گذشته و وارد دریای سیاه شدند. اخیراً رفت و آمد ناو های روسی از این تنگه افزایش یافته است، شنبه گذشته نیز یک ناو جنگنده روسی از این تنگه عبور کرد.

کابل

خبرگزاری فرانسه از افغانستان گزارش میدهد که دانشجویان افغانی شب نامههایی پخش کردند که در آن روسهارا تهدید به مرگ کرده و از مبارزین افغانی خواسته شده تا نیروهای روسی را کبیه کوهها بکشند. اخیراً حتی دانش آموزان هشت ساله در تظاهرات و راهپیمایی ها شرکت میکنند. این خبرگزاری بنقل از یک دیپلمات هندی گزارش داد که کنترل و اداره استانهای مختلف بخصوص غزنه از دست دولت دست نشانده ببرک کارمل خارج شده است. طبق همین گزارش کشتار مردم افغانستان توسط نیروهای روسی احساس انزجار شدیدی در دانشجویان و دانش آموزان افغانی نسبت به روسیه ایجاد کرده است. دولت مزدور ببرک کارمل دانشجویان را مجبور میکند که نشریات تبلیغاتی را که منافع روسیه را دربر دارد، بخوانند.

کابل

خبرگزاریها بنقل از مبارزین افغانی گزارش دادند که یکشنبه پیش (چهارم خرداد) هزاران جوان دانش آموز و دانشجو در حالیکه فریاد می زدند "مرگ بر برزنف" در خیابان های کابل دست بنظاهرات ورام پیمایی زده و نسبت به کشته شدن ۱۵۰ دانشجو توسط نیروهای اشغالگر روسی و مزدورانشان اعتراض کردند. تظاهر کنندگان که اکثر از کالجها دبیرستانها و دبستانهای کابل بودند بمدت هشت ساعت راهپیمایی کردند و سپس توسط پلیس پراکنده شدند. در این راهپیمایی در حدود صدتا ۱۲۰ تن از تظاهر کنندگان دستگیر شدند و عده زیادی از آنها توسط شوک الکتریکی شکنجه گردیدند.

کوه رنگین

حرکت انقلاب اسلامی افغانستان در گزارش دیگری اطلاع دادند که در جریان یک نبرد بین مجاهدین افغانی کوه رنگین از توابع استان فراه و عمال ارتش دست نشانده روس در فرودگاه این استان در گرفت یک تانک روسی منهدم شده و تعداد بیست نفر سرباز یازداشت شدند.

رویدادهای اقتصادی

خریدهای ما باید در درجه اول از جهان سوم باشد

ایران برای رفع کمبود برنج ۱۵۰ هزار تن برنج از تایلند خرید. پس از پیروزی انقلاب سیاست دولت مبنی بر جلوگیری از واردات کالاهای غیر ضروری و گسترش روابط تجاری با کشورهای غیر از دوا بر قدرت در بسیاری موارد با موفقیت پیش رفته است.

از جمله در زمینه خرید محصولات غذایی، در ۱۶ ماه پس از انقلاب ابر قدرت امپریالیستی آمریکا نقش نا چیزی داشته است. این در حالیکه در زمان شاه مخلوع با زار ایران پراکندم و برنج آمریکا بی بود و معاملات خارجی تنها در صورتی امکان داشت که طرف معامله مورد قبول رژیم شاه باشد.

بهمین منظور رژیم شاه لیستی از شرکتهای مجاز در زمینه معاملات خارجی داشت که انجام معامله و ایجاد رابطه با زرگان آنها با آنها امکانپذیر بود. پس از پیروزی انقلاب و درهم شکسته شدن پایه های سیاسی سلطه امپریالیسم بسیاری از این قید و بندها برداشته شد. اما این امر هنوز بصورت یک سیاست جامع و روشن در دنیا مده است و این ضعف بزرگی برای دولت است.

برنج یکی از مهمترین مواد غذایی مورد مصرف ما است. سیاست ما برای تاء مین برنج و دیگر مواد غذایی مانند این، باید در اساس متوجه رشد تولیدات داخلی در این زمینه ها باشد. اما میدانیسم تا رسیدن به خود کفایی در این رشته ناچاریم کمبود ما را از خارج وارد کنیم. در نتیجه با پدیده های درستی در زمینه واردات داشته باشیم. سیاست درست در این زمینه این است که ما اساس و بنیاد زرگان خارجی خود را در تحکیم پیوند با جهان سوم بگذاریم. یعنی تا آنجا که می توانیم نیازهای خود را از جهان سوم تاء مین کنیم و در عین حال در مورد فروش کالاهای ما در اطمینان به بازارهای جهان سوم پیش از هر کجای دیگر نظر داشته باشیم.

جهان سوم بطور عمده میتواند در کسب و کاری طرف معامله ما باشد. چرا که این کشورها به سبب سالها سلطه امپریالیسم، اقتصادشان اکثر "تک محصولی" است و عموماً "در زمینه صنایع، ضعیف و مصرف کننده کالاهای صنعتی کشورهای بزرگ صنعتی هستند. اما گسترش و تحکیم روابط اقتصادی با جهان سوم منجر به تضعیف حاکمیت امپریالیسم بر حیات اقتصادی این کشورها و تقویت بورژوازی ملی اینان میشود. چرا پیدا شدن بازارهای جدید برای برنج تایلندی خواهنا خواه گرایش به توسعه کشت برنج در این کشور را تقویت خواهد کرد. بهمین شکل است در مورد دیگر کشورهای. برای ایران هم این مسئله به علت اینکه رابطه با ابر قدرتها و امپریالیسم جهانی را کاهش داده و به حد قابل میرساند اهمیت بسیاری دارد.

در عین حال سیاست ما در باره زرگان خارجی باید متوجه جلب جهان دوم و بهره برداری از امکانات بازارهای غنی این کشورها برای تاء مین نیاز مندیهای تکنولوژیکی ما باشد. مجموعه این روابط باید از موضع استقلال و تاء مین منافع متقابل صورت بگیرد.

پناهنده ۱۹ ساله‌ای بعلت تراکم جمعیت در قایق پناهندگان کوبایی ، در اثر استنشاق گاز کربن مونواکسید کشته شد . با کشته شدن این پناهنده ، تعداد کل پناهندگان کشته شده کوبایی به ۲۶ نفر رسید . پس از تحصن هزاران آریبتی در سفارت پرو در ماه گذشته ، تاکنون بیش از ۸۶۰۰۰ کوبایی بعلت شرایط سخت زندگی و خفقان موجود رژیم کاسترو میهن خود را به سوی کشور های آمریکای جنوبی و آمریکا ترک کرده‌اند . هم اکنون بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ قایق و موتور لنج در بندر ماربل آماده حرکت بسوی آبهای تنگه فلوریدا میباشند تا خود را از سلطه رژیم هاوانا برهاند .

لوزان ، سوئیس

جنبش بین‌المللی تحریم المپیک مسکو برخلاف تبلیغات سوسیال امپریالیستها و عاملان ضربه سختی را به تعرض جهانی شوروی وارد آورده است . طبق آخرین اخبار کمیته بین المللی المپیک در لوزان ، ۵۶ کمیته المپیک کشورهای مختلف که ۴۰٪ کل کمیته های المپیک کشورهای جهان را در بر میگیرد در بازی های تابستانی المپیک ۱۹۸۰ در مسکو شرکت نخواهند کرد . بعلاوه اینکه بسیاری از فدراسیونهای ورزشی باوجود شرکت کمیته المپیک کشور شان در مسابقات ورزشی خود مستقلا بازی های المپیک را تحریم نموده‌اند . این فدراسیونها شامل فدراسیونهای شمشیربازی ، قایق رانی ، تیراندازی ، ژیمناستیک ، بسک ، هاکی ، دوچرخه سواری ، اسب سواری و دو و میدانی (پوش ، دو ، پرتاب نیزه ، پرتاب دیسک ، گشتی) میباشند . تحریم این فدراسیون ها تاثیر جدی برروی المپیک مسکو خواهد گزارد . ورزشکاران این فدراسیون ها در المپیک ۷۶ مونترال ۷۳٪ مدالهای طلا ، نقره و برنز و ۷۰٪ مدالهای طلا را خارج از کشورهای بلوک شوروی بدست آوردند .

از فدراسیون های ورزش اسب سواری ، شمشیر بازی ، قایقرانی و تیرسر اندازی فرانسه در بازی ها شرکت نمیکند و المپیک مسکو را تحریم نموده‌اند . از انگلستان فدراسیون های اسب سواری ، هاکی و شمشیر بازی به مسکونخواهند رفت . در استرالیا نیز بسیاری از تیم های ورزش المپیک مسکورا تحریم نمودند این تیم ها شامل اسب سواری ، قایق رانی ، والیبال زنان ، هاکی ، شنا و شمشیر بازی میباشند .

در مجموعه خود بیش از ۵۰٪ از ورزشکاران فدراسیون ها و تیم های المپیک کشورهای جهان در اعتراض به تهاجم جهانی شوروی و اشغال نظامی افغانستان المپیک مسکو را تحریم نموده‌اند . جنبش بین‌المللی تحریم المپیک مسکو تا کنون موفقیت های چشم گیری بدست آورده است . بکوشیم این دست آوردها را گسترش دهیم .

تصحیح يك خبر

در اطلاعیه بخش مازندران حزب رنجبران ایران که در رنجبر شماره ۵۸ به چاپ رسید اطلاع داده بودیم که در اثر تصادف اتومبیل ، سه نفر که برای انجام کارهای جهاد سازندگی از گلوگاه به ساری رفته بودند ، به شهادت رسیدند . خوشبختانه اطلاع یافتیم که یکی از این سه نفر بنام آقای لمراسکی در تصادف ذکر شده تنها زخمی شده و حال ایشان رضایتبخش است .

پشتیبانی قاطع

بفیه از صفحه ۱

مردم ما را از درجاردن بر روی موضوع گروگانها رها ساخته و بسوی یک حرکت وسیع افشاگرانه و نمر بخش

ضد امپریالیستی به جلو براند ، امری

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر : فرامرز وزیري

مدیر مسئول : علی حجت

نشانی : خیابان انقلاب جنب سینما رویال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی : تهران - صندوق پستی

۳۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ هفت

تل آویو ، فلسطین اشغال شده

بدنبال شکست مذاکرات مصر و اسرائیل در ماههای اخیر و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه اسرائیل ، ارزوایمن وزیر دفاع اسرائیل از مقام خود استعفا نمود . وایزمن در استعفانامه خود به بگین به سیاست سرخستانه وی در مورد قرارداد کمپ دیوید و مذاکره با مصر اعتراض نموده‌است . استعفا وایزمن نشانه به بن بست رسیدن سیاست بگین و انفراد روزافزون وی را دربین مردم اسرائیل و افکار عمومی جهان میباشد .

طبق گزارش نشریه "بیت المقدس" چاپ تل آویو ، بیش از ۵۰٪ مردم اسرائیل از سیاست تروریستی والحق گرایانه دولت بگین ناراضی میباشند و خواستار استعفا وی هستند . نظر خواهی این نشریه نشان میدهد که ۵۱/۵٪ از مردم اسرائیل خواهان استعفا فوری دولت بگین میباشند . انتخابات آینده قرار است در نوامبر ۱۹۸۱ برگزار شود ولی انفراد روز افزون و شکست سیاست های آمریکا و اسرائیل برای خروج از بن بست موجود در خاورمیانه دولت بگین را قبل از آن تاریخ سرنگون خواهد ساخت .

کوانگ جو ، کره جنوبی

علیرغم برقراری حکومت نظامی در کوانگ جو و سرکوبی قیام مردم این شهر ، شعله‌های قیام خاموش نشده است و دانشجویان با اسلحه های به غنیمت گرفته به کوهستانهای اطراف شهر عقب نشینی نموده‌اند . همچنین در شهر مک پو در ۸۰ کیلومتری کوانگ جو مردم بنشانه عزاداری ویاد بود کشته شدن شورش اخیر کوانگ جو ، شعل و چراغهای کوچکی را روشن نموده و مراسمی را برگزار نمودند . مردم مک پو خواهان لغو حکومت نظامی و آزادی دستگیر شدگان شهر کوانگ جو میباشند . ارتش فاشیستی کره جنوبی روز چهارشنبه ، به شهر مک پو نیز حمله نموده و تا دیروز زد و خورد همچنان ادامه داشت .

از سوی دیگر جمهوری دمکراتیک خلق کره (کره شمالی) قیام مردم کوانگ جو را یک واقعه تاریخی در مبارزه مردم ستمدیده کره جنوبی برای کسب آزادی و دمکراسی خواند . طبق نوشته های روزنامه های کره شمالی اگرچه این قیام حدود هزار کشته و دهها هزار زخمی بجای گزارد ، اما مردم کوانگ جو شجاعانه علیه نیروهای فاشیستی جنگیدند .

گردد و بر روی بیوند فسرده میان وظیفه قطع وابستگی به ابرقدرت آمریکا و وظیفه جلوگیری از نفوذ و سلطه ابرقدرت شوروی پافشاری نماید .

باتوجه به چنین اصولی است که کنفرانس بین‌المللی خواهد توانست در راستای پیام نوروزی امام خمینی ، برپستر انقلاب اسلامی شکوهمند ایران و در مسیر خواسته های اساسی و تاریخی ملت ما ، فعالیت افشاگرانه خود را با موفقیت و بطرز برپار به پیش برد .

حزب ما ، پشتیبانی قاطع خود را از این کنفرانس اعلام نموده ، از هرگونه ابتکارات نظیر آن در جهت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی مشتاقانه استقبال می نماید .

دبیرخانه حزب رنجبران ایران ۱۰ خرداد ۱۳۵۹

که مردم ما ماهها است در انتظار آنند

تشکیل این کنفرانس باید هم چنین فرصتی شود تا انقلاب اسلامی ایران ، در جهت تحکیم جبهه جهانی همبستگی بانقلاب خلقهای جهان سوم ، مجدانه حرکت نماید و سیاست انقلابیگری کاذب و همچنین محافظه کاری و تعلل هایی را که به افراد ما در سطح جهانی منجر میگردد ، تصحیح و طرد نماید . تا بدین وسیله از هر نوع انقیاد طلبی تحت پوشش "چپ و راست جلو گیری گردد .

کنفرانس بین‌المللی رسیدگی به مداخلات آمریکا در ایران ومبارزه با سلطه جویی دوبار قدرت آمریکا و شوروی ، باید درعین افشای همه جانبه امپریالیسم آمریکا ، در زیر پرچم اساسی جمهوری اسلامی یعنی پرچم "نه شرقی ، نه غربی" برگزار

مرغوبترین جنس را با مناسبتترین قیمت خریداری کند ، با توجه به اینکه در این قبیل موارد معمولاً دولت تا جرحوبی نیست ، نمیتوان انتظار را نجام چنین کار مهمی را از دولت داشت و مسلماً را هشتم اینستکه دولت به نظارت قناعت کند و بخش خصوصی را بیشتر دخالت دهد . اما معاملات دولتی همیشه رقم مهمی را به واسطه ها اختصاص میدهد ، که این بهیچ وجه درست نیست . مثلاً در همین معامله خریدبرنج از تا یلندگفته میشود که ۵۰ هزار تن آنرا واسطه های اروپائی برای ایران جور کرده اند . شکی نیست که در معاملات بازرگانی خارجی در شرائط امروز دنیا نمیتوان واسطه ها را نادیده گرفت . اما این نقش فعال خود دولت است که با پیدا مکاناتی فراهم کند تا مستقیماً با خود دولت و یا با خود تولیدکنندگان این کشورها وارد معامله شود . حداقل شمار این کار اینستکه قیمت جنس خریداری شده بر ایما ن ارز انترناتمام میشود .

البته لازم به یاد آوریست که در زمینه تاءمین مواد غذایی مسئله واردات فرع است و آنچه مهم است ، گسترش پایه های تولید داخلی برای دستیابی به خودکفائی است .

هزینه زندگی زحمتکشان آمریکائی ۷/۲۳٪ بالا رفت

هزینه زندگی خانواده های آمریکایی تنها در چهار رشته انرژی ، مسکن ، غذا و خدمات درمانی در سه ماهه اول سال ۱۹۸۰ نسبت به سال قبل ۲۳/۷٪ بالا رفت . این چهار رشته در حدود دو سوم هزینه زندگی خانواده های آمریکایی را تشکیل میدهند . در عین حال افزایش بهای کالاهای غیر ضروری در همین مدت نزدیک به نصف میزان رشد بهای کالاهای ضروری ، یعنی ۱۱/۵ درصد بوده است .

امپریالیستهای آمریکایی ادعا میکنند که بخش اعظم این افزایش هزینه که تاکنون در آمریکا بی سابقه بوده ، مربوط به افزایش بهای انرژی است . در سه ماهه زمستان بنزین ۶۴/۸ درصد افزایش داشته و در تمامی سال ۷۹ افزایش بهای مواد سوختی ۴۲ درصد بوده است .

اگر به میزان افزایش سوده های کمپانیهای نفتی آمریکایی بنگیریم به پوچی ادعاهای امپریالیستها بیشتر پی میبریم : در سه ماهه اول سال ۸۰ کمپانی نفتی استاندارد اویل (اوهایو) ۱۷۰ درصد به سودش اضافه شده و نرخ رشد سود برای کمپانی نفتی اکسون ۱۰۲ درصد بوده است . اما درست در همین فاصله زمانی خانواده های آمریکایی مجبور شده اند مواد سوختی مانند نفت و بنزین را ۵-۴ برابر گرانتر از سال قبل بخرند . آمار موجود ثابت میکند که افزایش هزینه مواد سوختی در آمریکا اساساً بعلت سودجویی کمپانیهای نفتی بوده و بالا رفتن قیمت نفت کشورهای عضو اوپک تنها تاثیر ناچیزی در افزایش قیمت مواد سوختی در آمریکا داشته است .

تشدید ستم بر زحمتکشان آمریکایی به چه علت است ؟ آیا انحصارات امپریالیستی مقصودند یا جهان سوم ؟ افزایش اعجاب آور سوده های انحصارات خود به تنهایی پاسخ گوی این سوال میباشد .

افزایش بی رویه هزینه زندگی مسلماً باعث میشود که مبارزات کارگران و زحمتکشان آمریکایی برای افزایش دستمزد اوج بگیرد . این مبارزات بدون شک زحمتکشان را هرچه بیشتر با چپا و لگران رودر رو قرار خواهد داد و بحران رادر آمریکا تشدید خواهد نمود .

تصحیح

در مقاله "جرا دهقانان بی زمین و کم زمین سهمی از وامهای دولتی ندارند؟" که در شماره ۵۸ صفحه ۵ رنجبر چاپ شده بود ، پاراگراف آخر اشتباه چاپ شده بود که بدین صورت ، ضمن پوزش ، تصحیح میشود : کمک به ایجاد تعاونیهای

تولیدی مردمی در روستاها و متشکل کردن دهقانان بی زمین و کم زمین در این تعاونیهای مردمی و ایجاد شورایهای محلی و منطقه ای ، بهترین شکل تشکیلاتی و سازمانی برای بکار گرفتن امکانات دولت بسوی دهقانان و دگرگونی اقتصاد روستایی بنفع اقتصاد ملی و زحمتکشان روستا خواهد بود .

بقیه از صفحه ۱

گامی مثبت و تحولی به جلو است و یا گامی بعقب و بسوی قهقرای ننکین وابستگی؟

اگر بظا هر مسئله اکتفا شود این تجدیدنظر در مواضع مثبت جلوه می‌کند، اما اگر به کینه مسئله توجه گردد روشن می‌شود که دارودسته رهبری چریکهای فدایی اگر چه در ظاهرا زهرج و مرج طلبی دست می‌کشند، اما انگیزه آنان این است که بتوانند بیهمه با بد

و این تردیدها عبارت بود از عدم پذیرش سیاستهای مسکو و رهبری حزب توده در مورد مسائل داخلی ایران و موضوع مهم آن یعنی چگونگی برخورد به حکومت جمهوری اسلامی. باین ترتیب ما هیت تغییر موضع اخیر چریکها روشن میشود. در حقیقت تغییر موضع جدید رهبری چریکها چیزی نیست بجز بر طرف شدن این "تردید"ها و قبول سیاستهای دیکته شده از طرف مسکو درباره

است، توده‌ها را آماده گردانیم و نگذاریم تا اعمال وابسته و مزدور روس همان برنامه افغانستان را در کشور ما پیاده کنند. در این رابطه هشاری نسبت به دو موضوع و تصحیح دو اشتباه رایج در میان نیروهای ملی ضروری است:

اولا همانطور که ما بدنبال مناظره تلویزیونی رئیس جمهور با رهبری سازمان چریکها خاطر نشان کردیم،

رهبری سازمان چریکها از این پس با اسلحه جدیدی به جنگ انقلاب و دولت ملی می‌رود

چگونگی برخورد به حکومت ایران که بنا بمصالح میباید است نرمنش پذیر باشد. بی‌جهت نیست که باندکیا نوری سرمقاله مندرج در کارآدر روس نامه خود چاپ مجدد میکنند و از این تغییر مواضع بعنوان "تغییری مثبت و امیدبخش" یاد میکنند. "مردم" شماره ۲۴۳ در این باره مینویسد: "ما! میداوریم که این تغییر مثبت و امیدبخش در موضع سازمان چریکهای فدایی خلق در برخی مسائل اساسی سیاست ایران و جهان (دو زمینه‌ای که از آن نام بردیم، یعنی برخورد به حکومت ایران - رنجبران) همه جهات و جوانب سیاست سازمان چریکهای فدایی خلق را دربر گیرد. چنین تغییری مثبت همه جانبه‌ای میتواند به مراتب نیروهای انقلابی که چریکهای فدایی بدرستی آن را یک ضرورت تاریخی میدانند کمک موثر کنند." ("مردم" ۲۴۳)

درست بهمین خاطر است که میگوئیم این تغییر موضع حسابگرانه رهبری چریکها برای دریافت چراغ سبزر

کیا نوری شریک فعال تری برای اجرای نقشه حاکم ساختن روسیه برای ایران بشوند و در اجرای برنامه کودتای روسی در ایران نقش مهم تری را برعهده گیرند. برای روشن شدن این امر میباید یک تغییر موضع مهم دیگر رهبری سازمان چریکها نیز که کاملاً با این تغییر اخیر مرتبط است توجه کرد.

چندی پیش بود که رهبری سازمان چریکها بعد از مدتها کجدار و مریخی، مواضع انتقادی سازمان چریکها درباره روسیه را نیز تغییر دادند و با تأیید علنی و رسمی اشغال نظامی افغانستان نوکری تمام و کمال خویش را بر روسیه اعلام کردند. این تغییر موضع نیز تحول برجسته‌ای در مواضع چریکهای فدایی محسوب میشود و از اهمیت زیادی برخوردار بود. زیرا در آن زمان که باندکیا نوری بدستور کرملین برای تدارک کودتا در صدد تشکیل یک جبهه متحدان زوا بستگان و هواداران

دعوی اصلی ملت ما با چریکها نه بر سر مقام و مت مسلحانه آنها در برابر حکومت ملی است، بلکه عمدتاً بر سر وابستگی آنها به روسیه است. چنانچه امروز آنها در قبیل حکومت قنبا عوض کرده و حاضر خواهند بود از در دوستی وارد شده و اسلحه را طبق خواست اکثریت ملت به زمین بگذارند. اما آنها در واقع در وابستگی به روسیه یک قدم بزرگ، به پیش گذاشته و در حقیقت از اسلحه دیگری علیه انقلاب و حکومت استفاده خواهند کرد، اسلحه‌ای که از "کلاشینکف" و "ز-۳" به مراتب خطرناکتر است اسلحه توطئه روسی.

ثانیا برخلاف تصورات و تبلیغات غیرواقعی تا کنون بوضوح ثابت گردید که رهبری سازمان چریکها "امریکایی" نبوده بلکه روسی است. تنها تشخیص درست مساله اساسی یعنی مساله جبهه روسی انقلاب ملی قاراست به خلق میا در

ملی گرائی مترقی - ملی گرائی ارتجاعی

ملی گرائی مترقی يك نیروی اساسی در اتحاد بزرگ ملی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، نقش ملی گرائی مترقی در اتحاد بزرگ ملی وادامه انقلاب، بطور مستمر مورد بحث قرار گرفته است. در این مورد نظریات مختلفی ابراز شده: برخی از نظریات بر اهمیت جریان ملی گرائی مترقی تأکید میکنند و برخی دیگر به گونه‌های مختلف نقش این نیرو را در گوناگون جلوه داده و از اتحاد با آن اکراه دارند. با توجه به اهمیت تاریخی اتحاد بزرگ ملی مرکب از سه جریان اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی توضیح چند نکته اساسی را در ارتباط با مسئله ملی گرائی لازم می‌بینیم:

در ابتدا ملی گرائی در ایران توجه نمائیم: یکی ملی گرائی افراطی و ارتجاعی که اساساً متعلق به طبقات حاکم و وابسته به امپریالیسم بوده و در تاریخ معاصر کشور ما بصورت شوونیسم عظمت طلبانه آریا مهری متبلور گردیده و با بصورت گروههای شبه فاشیستی از قماش حزب "بان" ایران نیست خود را نمایانده است.

درمبارزه ضد امپریالیستی بعهد داده شده است. در ارتباط با همین واقعیت است که با دید میان ملی گرائی در کشورهای امپریالیستی سلطه گرا زیکو و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم زسوی دیگر تما یز گذارد. ملی گرائی نوع اول که اساساً "به صورت شوینیسم عظمت طلبانه و نژاد پرستانه از نوع فاشیسم هیتلری و یا شوینیسم نوع آمریکائی یا روسی ظاهر میگردد، بخشی از ایدئولوژی و فرهنگ امپریالیستی یعنی ایدئولوژی و فرهنگ سرما بده را ن انحصارگر و وسیله‌ای در دست آنهاست تا با تحمیق توده‌ها و سوء استفاده از احساسات میهن دوستانه آنان، به هدفهای جنایتکارانه خود دست یابند و سودهای شتار بقیه در صفحه ۲

نخست وزیر تعیین شده به احتمال قریب به یقین دکتر حسن حبیبی است

حقوق خود را از دانشکده حقوق دانشگاه تهران کسب نمود. و سپس مدت ۲ سال تا سال ۱۳۴۲ در همان دانشگاه مشغول تدریس و تحقیق بود. در دوران مبارزه سالهای ۳۹-۴۳ وی همسرش دانشگاهیان و سایر یاران مبارز خود از جمله آیت‌الله طالقانی علیه رژیم طاغوت مبارزه میکرد.

مجلس خبرگان گردید، فراهم آورد و به امام تقدیم داشت. در روزهای اول مهرماه حبیبی به سمت وزیر فرهنگ و آموزش عالی کابینه مهندس بازرگان تعیین شد و پس از استعفای بازرگان به عضویت شورای انقلاب برگزیده شد و سمت وزارت خویش را نیز حفظ

رئیس جمهور بنی صدر به دنبال دیدار صبح جمعه خود با امام خمینی به خبر نگاران خبرگزاری پارس اظهار داشت: "برای منقضت وزیر مشخص شده است. ولی مجلس با پیدا وراتا تأیید کند. با توجه به موضع گیری های هفته‌های گذشته مقامات

روسیه بود و برای این مقصد توجه خاصی نسبت به رهبری سازمان چریکها داشت، اعلام موضع چریکها درباره اشغال افغانستان چراغ سبزی برای باندکیا نوری محسوب می شد. بهمین جهت باندکیا نوری در روس نامه "مردم" در این باره نوشت:

"پشتیبانی نهائی فداثیان از انقلاب افغانستان (منظور اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه است) گام مثبت و پازشی در راستای نزدیک شدن به انتزاع سوسیالیسم پیگیر پرولتری محسوب میشود. پیوستن فداثیان به جبهه مبارزه برای پیوند سر نوشت انقلاب افغانستان با آیینده انقلاب ایران، این جبهه را از وزن و اهمیت بیشتری در حیات سیاسی جامعه انقلابی ما بر خوردار کرده است. ما شادمانی خود را از این امر پنهان نمی کنیم. و در آخر خطاب به رهبری سازمان چریکها خاطر نشان کرد:

"دوستان دیر آمدید هنوز هم تردید دارید، اما به جبهه نبرد انتزاع سوسیالیستی خوش آمدید. (مردم شماره ۱۷۵) در آن زمان "رنجبر طی" مقالتهای ما هیئت جبهه ای را که باندکیا نوری از آن نام می برد و خطاب به رهبری چریکها درباره پیوستن به این جبهه خوش آمد می گوید افشاء نمود و در این زمینه نوشت:

میتوان با وضوح کامل معنی نقش "جبهه متحد خلق" را در دسته کیان نوری را درک کرد: "این جبهه با ید تحت رهبری مزدوران مستقیم روسیه، چپ نماها و مسلمان نماهای هوا دار روسیه را متحد گردانند. "رنجبر" بروشنی اعلام کرد که "طرح این جبهه از کملیسن ما در شده و در نقشه سلطه و حاکمیت روسیه برای ایران نقش مهمی را بر عهده دارد."

در آن زمان علیرغم چرخش آشکار رهبری چریکها بطرف مسکو و همزمانی در مورد اوضاع بین المللی، همانگونه که باندکیا نوری اشاره میکند، آنها هنوز "تردیدهایی داشتند."

ورود به جبهه متحد کودتای روسی بوده است و نه تصحیح مواضع نسبت به حکومت مرکزی.

با این ترتیب مسکو و باند کیان نوری در حزب توده در جهت تشکیل جبهه مورد نظر خویش گامی مهم بجلو برداشتند اما روشن است که پیوستن رهبری چریکها و تبعیت آنان از برنامه های باند کیان نوری بمعنای یکی شدن کامل این دو نیست. در چنین صورتی مسئله "جبهه متحد" منتفی بود و آنان در حزب واحدی دور هم جمع میشدند.

این موضوع بدلیل وجود رقابت بین این دو دار دسته روسی برای پیشگی گرفتن از یکدیگر و در عین حال حفظ نفوذ معینی است که سیاست های چپ روانسه رهبری چریکها در بر خورده به دولت در بعضی اقسام از جوانان بوجود آورده است. از اینرو گرچه رهبری چریکها روی خطوط عمومی از باند کیان نوری تبعیت خواهند کرد، اما بطور کامل همانند او در برخورد به دولت عمل نخواهند کرد و برای جلب نیروی سیاست های مکمل وی را در پیش میگیرند. بهمین جهت ادامه جنگ های زرگری بین این دو بطور کامل منتفی نخواهد بود.

این تحولات اخیر که در بین نیروهای وابسته به روسیه در ایران صورت گرفته شباهت کامل به همین تحولات در بین نیروهای روسی افغانستان دارد. احزاب "پرچم" و "خلق" در افغانستان که هر دو وابسته به روسیه هستند، همواره اختلافاتی بین خود داشتند و این اختلافات بر سر قدرت هیچگاه تمامی نگرفت. اما دولت در آستانه کودتای روسی "تره کی" هر دو این احزاب تحت فشار روسها متحد شدند و تشکیل یک "جبهه دمکراتیک" را دادند.

تاریخ بار دیگر در کشور ما تکرار میگردد. هشیارباشیم و در برابر این خطر که بارها از طرف حزب باگوشزد شده

مبارزه علیه عمال برودت روسی یا ری رساند و توطئه های این عاملین انقلاب ملی را با شکست مواجه سازد.

مقاومت وسیع
شده اند، اینک بازم از سر فرصت طلبی به حزب دمکرات نزدیک شده و با او اعلامیه مشترک میدهند؟ ... و بالاخره اعضاء و هواداران سازمان چریکها می پرسند که روند روسی شدن، این سازمان را به کجا خواهد کشید؟ آیا این روند به همان منجلابی منتهی نمیشود که هم اکنون سرسپردگان باند کیان نوری در آن سکونت دارند؟ و صدها سؤال از این قبیل

ما اعضاء و هواداران صادق سازمان چریکها را دعوت میکنیم که به یک بررسی دقیق و همه جانبه از علل سقوط سازمان، بدور از تنگ نظری و گروهی گرایی که توسط این رهبری معلوم الحال در سازمان القا شده، بپردازند و با قاطعیت و شهامت خود را از آفتون رویزیونیسم که رهبری غاصب بکمک باند کیان نوری در آنها تزریق کرده، نجات بخشند.

رسمی مملکتی، اکنون شریا محرز است که نخست وزیر تعیین شده کسی دیگری جز آقای دکتر حسن حبیبی نیست.

پس از جلسه روز سوم خرداد شورای انقلاب، ریاست جمهوری در پاسخ به سوالات خبرنگاران مبنی بر انتخاب دکتر حبیبی به سمت نخست وزیر احتمال انتخاب وی را نه تنها مردود ندانست، بلکه از فحوی کلام چنان بر میا مدکه بطور قطع نخست وزیر مورد نظر رئیس جمهور، دکتر حبیبی است.

از اینرو ما در زیر سوابق فعالیتها، مبارزات و نقطه نظرات آقای حبیبی را منعکس میکنیم تا خوانندگان خودیسه قضاوت در مورد شخصی که احتمال نخست وزیری او بسیار زیاد است بنشینند.

آقای حبیبی درجه دکتری

در همین ایام وی در هیئت تحریریه نشریه "پیام دانشجو" عضویت داشت.

حبیبی سپس به فرانسه رفت و مدت ۱۲ سال در آنجا اقامت گزید. حبیبی در مدت اقامتش در فرانسه یا رموردا اعتماد معلم شهید شریعتی بود. و سرانجام نیز مکلف شد که طبق وصیت شریعتی کتب و سایر انتشارات وی را تنظیم کرده و برای چاپ آماده نماید. (وی در دوران اقامت در فرانسه همچنین با دکتر بنی صدر همکاری نزدیک داشت.)

در ایام اقامت امام در فرانسه با اجازه ایشان حبیبی به تهیه نخستین پیش نویس قانون اساسی پرداخت و پس از بازگشت به تهران به امام و با همکاری جمعی دیگر از حقوقدانان پیش نویسی را که مبنای پیش نویس پیشنهادی

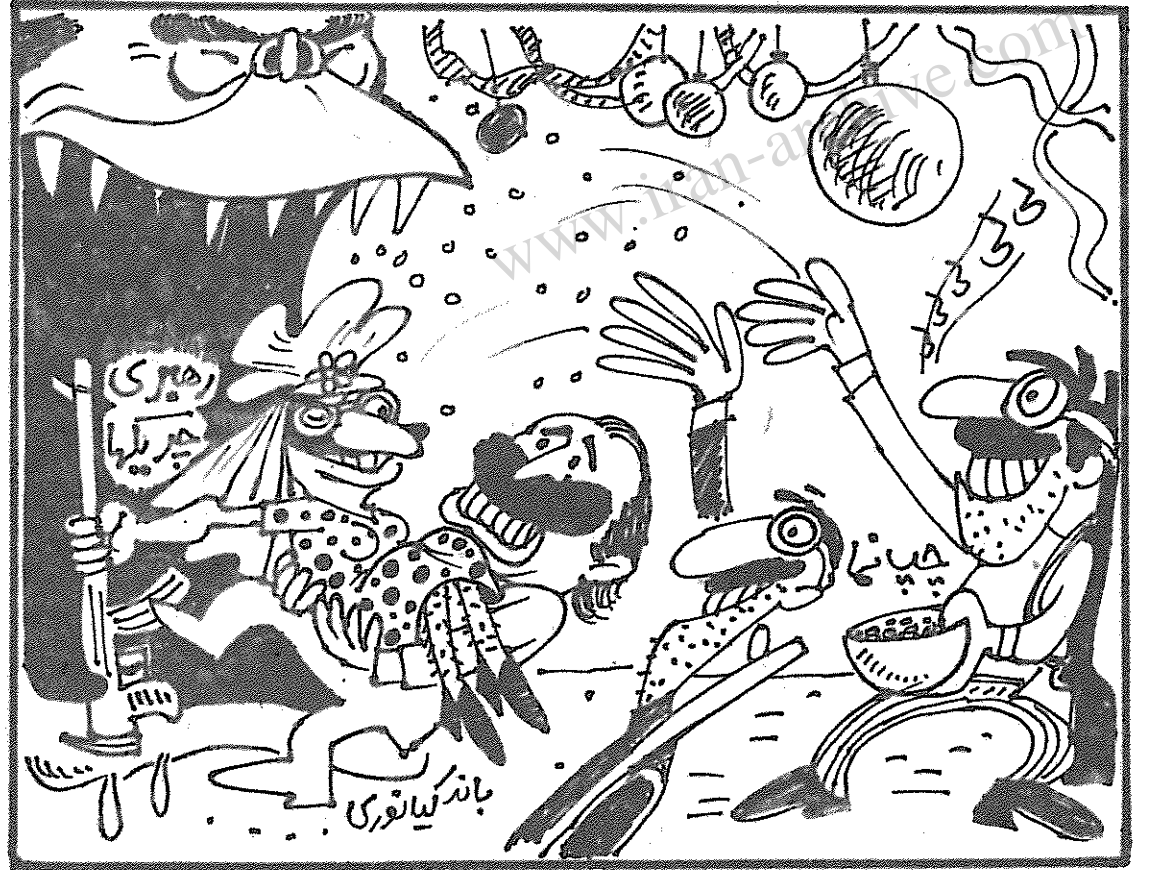
حبیبی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی برای ریاست جمهوری بود. اصول کلی برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وی در دوره ریاست جمهوری که در اعلامیه ای جهت آگاهی مردم منتشر شد حاوی نقطه نظرات و دیدگاههای وی میباشد. در زیر بعضی از این اصول برای آشنائی خوانندگان درج میشود.

برنامه مبارزه ضد امپریالیستی "وظیفه مادر تداوم انقلاب، آن است که تمام ریشه های متنوع رسوخ و سلطه امپریالیسم را از بیخ و بن برکنیم زیرا تمام بدبختی و عقب ماندگی، تمام استضعاف و وابستگی، تمام غرب زدگی و انحطاط معنوی از این ریشه های فاسد ناشی میشود. تشکیل ارتش بیست ملیونی "انقلاب ایران نیاز به بقیه در صفحه ۳

انگلیس، نزدیکترین
کنند و ایران هم میتواند کالاهای مورد نیاز خود را که قبلا نیز دریافت میکرد از این موسسات خریداری نماید.

نحوه تحریم اقتصادی انگلستان که نزدیکترین کشور اروپای غربی به امریکاست، بار دیگر نشان داد که کشورهای اروپایی بر خلاف ادعاهای انقلابیگران کاذب وابسته به امریکا نبوده و بخاطر منافع خویش در تضاد با آن قرار دارند و برای تامین منافع خود ناچارند مناسبات خود را با جهان سوم حفظ کنند. از این رو دولت ایران با اتخاذ سیاست های درست میتواند از این تضاد بنفع خود در مبارزه علیه امریکا سود جوید و با برقراری مناسبات و روابط معینی که بسود هر دو کشور است این کشورها را نسوی خود جلب نموده و علاوه بر برطرف کردن بعضی از احتیاجات خود امریکا را بیشتر منفرد نماید.

سیاست یگان فرض کردن کشورهای اروپای غربی با بر قدرت امریکا سیاست انقلابی نمایانه و کاذبی است که با واقعیات تطابق ندارد و بسود کشور مادر مبارزه علیه امریکا نیست. در واقع باید توجه نمود که این سیاست منطبق با هوچیگری های مزدوران روسیه است که میخواهند با منزوی کردن ایران در سطح جهان و تحت فشار احتیاجات اقتصادی قرار گرفتن آن، میهن ما را بسوی وابستگی به شوروی سوق دهند. باید توجه نمود و در این دام نیفتاد.



باند کیان نوری